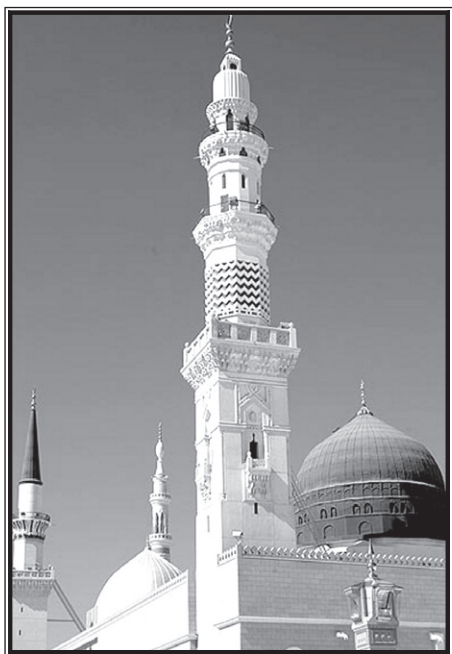






مدینه طیبہ، عنوان مطلبی است در چهل صفحه، که حاجی میرزا محمد مهندس در آخر سده سیزدهم هجری قمری، در سفر به مکه معظمه، مشاهدات خویش را در آن نگاشته است.

نوشتۀ یاد شده، به شماره ۹۳، ردیف کتابخانه و ۸۱ ثبت خطی‌ها در دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد موجود است که بیست سال پیش در پاییز ۱۳۶۸ خورشیدی در «فصلنامه مطالعات

تعریف المدینه

در بیان راه بندر ینبع - مدینه منوره و نیز بیان مدینه و پیرامون آن

نوشتۀ حاج محمد میرزا مهندس، (۱۲۹۳ هـ.)
از نسخه نگاشته شده به خط مؤلف

مقدمه و توضیح از دکتر محمود فاضل (یزدی مطلق)
شنبه بیست و نهم فروردین ۱۳۸۸ هـ. ق.
محمود یزدی مطلق (فاضل)

شماره ۶۷ - بهار ۱۳۸۸
تعریف المدینه

میقات

۷۸

تاریخی» به طبع رسید و به جهت تناسب آن با موضوع حج، برای نشر در بخش خاطرات «فصلنامه میقات حج» ارسال می‌گردد.

دیباچه

رساله‌ای که اکنون در دسترس خوانندگان گرامی قرار گرفته، «سفرنامه مدینه طیبّه رسول الله ﷺ» تألیف حاجی محمد میرزا مهندس است که - در آخر قرن سیزدهم هجری قمری - به مکه معظمه رفته و مشاهدات خود از بندر ینبع تا مدینه را به رشته تحریر درآورده و آن شامل آگاهی‌های تاریخی و جغرافیایی پر ارزشی است که نمی‌توان آن را تنها یادداشت‌های مسافری دانست - که مشاهدات خود را نگاشته - بلکه در تدوین آن از اطلاعات ذهنی نیز کمک گرفته است.

نویسنده ابتدا به تعریف «ینبع»^۱ پرداخته، سپس به توصیف منازل میان راه اشاره کرده که اولین منزلش، «محطه مسهل»^۲ و دیگر منازل آن عبارت است از: بئر شیخ ابراهیم، قریه حمراء، بئر عباس و بئر شریوف و مدینه طیبّه است. آن‌گاه به تفصیل از مدینه می‌گوید و چون خود مهندس بوده، جزئیات بنای مسجدالرسول را تشریح می‌کند و نکات تاریخی آن‌ها را یادآور می‌شود. پس از آن، به بیان اطراف مدینه طیبّه می‌پردازد و کوه‌ها، چاه‌ها، چشمه‌ها، تپه‌ها، مسجدها و... را که در آن نواحی واقع شده‌اند نام می‌برد، اینگونه آگاهی‌ها برای اهل فن بسیار سودمند است. متأسفانه معلوم نیست که چه حادثه‌ای پیش می‌آید که گفتار خود را ناتمام می‌گذارد.

درباره نویسنده رساله

گفتیم که این رساله به خامه توانای حاجی محمد میرزا مهندس است؛ چنان‌که خود در آغاز آن به این امر تصریح می‌کند. او در سال ۱۲۹۲ هـ. ق. به مکه می‌رود و در سال ۱۲۹۴ هـ. ق. این رساله را می‌نویسد و دو سال پیش از آن‌که این اثر را پدید آورد. کتاب مبسوطی در تاریخ و جغرافیای عربستان نگاشته است. او در ابتدای عمر به آموزش زبان و ادب پرداخته. زبان فرانسه و ترکی را فرا گرفته و پس از آن به تعلیم خود پرداخته و سپس علوم ریاضی و هندسی را آموخته است و چون تحصیلاتش به پایان رسیده، برای ساختن قلعه‌ها و نقشه‌کشی و ساختن راه و پل و سیاحت و زیارت به ولایات و سرحدات آذربایجان و گیلان و استرآباد و گرگان و مازندران و عراق و

عراق عجم و قفقاز و اسلامبول و مصر و مکه و مدینه و مسقط و فارس و بصره و غیره مأمور شده است و نقشه مفصل همه ولایات ذکر شده را ترسیم کرده است. حاجی محمد میرزای مهندس کتاب دیگری به نام جغرافیای رودبار قصران، دارد که نسخه خطی آن در کتابخانه ملی تهران موجود است و تاریخ تألیف آن ۱۲۹۳ هـ. ق. می باشد.

آقای عبدالله انوار در فهرست ملی آورده است: «نویسنده این رساله که سالها در سرحدات ایران مشغول نقشه برداری بوده و از طرف دولت های عثمانی و روسی؛ اغلب از خاک روسیه و عثمانیه و قسطنطنیه و مصر و بیت الله الحرام و بیت الرسول الانام و حجاز و فارس و علاوه بر این در آذربایجان و گیلان و گرگان و عراقین عرب و عجم مشغول جان نثاری بوده و به تعیین حدود و نقشه کشی و قلعه سازی و حرکات عسکریه می پرداخته. دو سال قبل احضار دربار معدلتدار گردیده در صفحات لار و دماوند که ییلاق و شکارگاه بود...»^۳

حاجی محمد میرزا مهندس پس از آن؛ یعنی در روز چهارشنبه یازدهم شعبان ۱۲۹۴ هـ. ق. «نقشه مدینه طیبه را» با نقشه های دیگر عربستان و سایر نقشه ها و روزنامه ای که در سفر بیت الله کشیده و نوشته بود در ییلاق سلطنت آباد شمیران شرفیاب حضور مبارک گردیده، پس از آن که نقشه ها و روزنامه از لحاظ انور گذشت، به جناب امین السلطان امر فرمودند که دو قطعه از آن نقشه ها را؛ یکی همان مسجدالرسول و دیگری نقشه ای از بندر ینبع الی مدینه منوره (کمان می رود که مربوط به نسخه ما باشد) ... در میان قاب و پشت آینه بزرگ بگذارند که همیشه در نظر مبارک باشد.»^۴

در «مرآت البلدان» ناصری نام سه تن از مهندسان عهد ناصری آمده است: ۱. احمد خان قاجار ۲. محمدحسن میرزا ۳. حاجی محمد میرزا. ۵. صنیع الدوله نیز همین سه تن را جزو مهندسان این دوره شمرده است. ۶ و اعتمادالسلطنه از او به عنوان «حاجی محمد میرزا سرهنگ» یاد کرده است. ۷ آقای احمد گلچین معانی عافاه الله تعالی می گوید که: سرهنگ حاجی محمد میرزا مهندس از جمله کسانی بوده که در تدوین مرآت البلدان ناصری شرکت داشته است و احتمال می رود که همو استاد سرتیپ مهندس عبدالرزاق خان بغایری باشد که وقتی مأمور سرحدات ایران برای جمع آوری آمار گردیده بود.

اصولاً اسماء مذیل به کلمه «میرزا» خاص خاندان قاجار بوده است مانند: عباس

میرزا، فرهاد میرزا و... و ممکن است که نویسندۀ این سفرنامه نیز به این دودمان منتسب باشد؟

در هر حال نگارندۀ این سطور شرح حال بیشتری از مؤلف این کتاب به دست نیاورد، امید آن‌که اگر توفیقی دست داد بتوانم یادداشت‌های خود را در این زمینه تکمیل کنم.

دربارۀ نسخه خطی این کتاب

نسخۀ حاضر متعلق به کتابخانۀ دانشکدۀ الهیات و معارف اسلامی مشهد است که به هنگام تهیه فهرست به آن برخوردیم، به خط شکستۀ نستعلیق خوش مؤلف، ۱۲ سطری $۱۱/۵ \times ۵/۸$ سانتی متر پیش‌نویس اوست که قلم‌خوردگی در متن و افزودگی در حاشیه دارد و جای جای آن اغلاط املائی و انشایی نیز به چشم می‌خورد، و مؤلف موفق به اتمام آن نگردیده است.

نسخۀ یاد شده دارای ۳۷ برگ $۱۷/۵ \times ۱۱$ سانتی متر می‌باشد. تاریخ تحریر ۱۲۹۴ هـ. ق. در پشت صفحه اول نگاشته شده:

«هو، نسخۀ اول این کتابچه در بیان راه از بندر یزنجع الی مدینۀ منورہ و بیان مدینہ و اطرافش می‌باشد، سیاحت بندۀ درگاه، عالم‌پناه، حاجی محمد میرزا مهندس ۱۲۹۴».

چون این سفرنامه حاوی مطالب جالب است و به شناخت پاره‌ای از ویژگی‌های مکانی ناحیۀ مورد دیدار نویسنده مدد می‌رساند، لذا نشر آن را مناسب دیده و در اختیار علاقه‌مندان قرار دادیم.

و من الله التوفیق و علیه التکلان

تعریف المدینه

چون راه از ینبع^۸ الی مدینه طیبه در این سنوات مفتوح گردیده، لهذا این بنده در گاه عالم پناه، اقل الحاج محمد میرزا مهندس محض استحضار حاج بیت الله الحرام و غیره، اجمالی از تفصیل آن را بیان می نماید و چون تعیین فراسخ این راه در حالت عبور کاملاً متعذر بود، لهذا مقیاس را یک ساعت حرکت شتر قرار داد، چنانکه در اعراب اهل بادیه رسم و شایع است.

از مطالعه کنندگان معذرت می خواهم که از برای حاج بیت الله، به واسطه توقف جزئی در مکانی، زیاد بر این نمی تواند مطلع شود، وانگهی در همچو مکان شریفی بعد از عمری که می رسد، علی الدوام باید مشغول نماز و زیارت و عبادت و اصلاح امور دنیا و آخرت شود، ولی این بنده در گاه، قبل از شرف یابی به بیت الله و بیت الرسول، به میل خاطر مدت دو سال کتاب مبسوطی در جغرافیا و تاریخ عربستان تألیف نموده که اغلب مطالب را قبل از مشرف شدن می دانسته، ان شاء الله کتاب مزبور پس از بررسی های لازم به طبع می رسد که کافه ناس از این اراضی - که محل مبعوث شدن انبیا و اوصیا و نزول ملائکه است - مطلع و بهره مند شوند، ولی بدون علم و عمل، از این قبیل مطالب کسی استحضار به هم نمی رساند که بنویسد، چون فدوی از اول ایام صبوت الی زمان رشادت، مکنون ضمیرم مهم لغات السنه امم و درک معانی صحیحه خطوط ارباب قلم می بود تا به تعلیم صاحبان ادب و فرهنگ از زبان ترک و تاجیک و بعضی السنه بلاد فرنگ بر حسب استعداد خود مایه گرفته، پس به یاد گرفتن علوم ریاضی و هندسی و غیره شتافته تا به عون الله از آن علوم مدت بیست سال مهما امکن طرفی بر بسته (و) بعد از اتمام درس و تحصیل الی یومنا هذا، بیست سال متوالی است که برای ساختن قلاع و نقشه کشی و ساختن راه و پل و باستان دار^۹ دو زنی (شاید: دورزنی؟) و سیاحت و زیارت به ولایات و سرحدات آذربایجان و گیلان و استرآباد و گرگان و مازندران و عراق عرب و عراق عجم و قفقاس (قفقاز) و اسلامبول و مصر و بیت الله و بیت الرسول و مسقط و بنادر فارس و بصره و غیره مأمور بوده و روزنامه و نقشه مفصله همه ولایات مذکوره را برداشته و به قدر قوه انجام قلعه جات سرحدی و راه سازی و غیره را انجام داده که در همه ایران حاضر و موجود است و در این مدت چهل سال کتب زیادی هم ترجمه و تحریر و تألیف نموده، من جمله - چنانچه عرض شد دو سال اوقات خود را مصروف داشته - کتابی در جغرافیا و تاریخ عرب و بیت الله و بیت الرسول - که قبله مسلمانان است - به رشته تحریر در آورده تا همه مسلمانان بهره مند گردند و این اقلیم جزیره العرب که شبه جزیره نیز نامند و دوره اش شش ماه و نیم با کاروان مسافت بود، افضل و اشرف از جمیع

اراضی زمین است؛ زیرا در این اقلیم، بیت الله الحرام و دین اسلام منتشر گردیده، و حجاز و یمن و بلد سینا و احقاف^{۱۰} و یمامه^{۱۱} و شجر^{۱۲} و هجر^{۱۳} و عمان و طایف و نجران^{۱۴} و حجر صالح^{۱۵} و دیار عاد^{۱۶} و ثمود و بئر معطله^{۱۷} و قصر مشید و حبس شداد و قبر هود و دیار کنده^{۱۸} و جبل طی^{۱۹} و بیوت فارهین^{۲۰} و وادی ايله^{۲۱} و جبل سینا و مدین شعیب و عیون موسی و تیه بنی اسرائیل در اینجاست.

در این زمین: اولیای راشدین و انبیاء المرسلین و انصار و مهاجرین بوده‌اند. روایات اسلام از این جا بسته شده و به جمیع روی زمین ممتد گردید. و نیز حضرت ابراهیم خلق را به این سمت دعوت فرمودند.



در این اقلیم است که: از هر یک شرح مفصّلی در کتاب خود نوشته و به سبب میل مفرطی که به عتبه به وصی حضرت خاتم‌الأنبیا - صلوات الله و سلامه علیه - داشته در تاریخ ۱۲۹۲ به هر حالت بود شرفیاب گردیده و امیدوار است که به مضمون آیه مبارکه: ﴿إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا﴾^{۲۲} مأجور و مثوب باشد، بالأخره اقلیم عرب، به دوازده مملکت قسمت می‌شود که عبارت‌اند از: تهامه^{۲۳} و یمن و نجد^{۲۴} و عروض^{۲۵} و احقاف و شجر و عمان و هجر و حجاز و نجد حجاز و تهامه حجاز و یمامه^{۲۶} و بادیه.

در این اقلیم، معادن مشهور ندارد مگر معدن سرب و نمک معدنی که عموماً خشک و کم حاصل؛ مگر بعضی از اماکنش حاصل خیز است که قلیل گندم و و نخل و سایر میوه می‌کارند؛ اما محصول موفورش همان قهوه است که مخصوص زمین است و به اطراف می‌برند - درخت قهوه شبیه به درخت گیلاس است ورقاً و ثمرأً، ولی شکوفه‌اش سفید و ثمرش الذّ از گیلاس و حصّه‌اش به هم چسبیده و می‌شکافند قهوه است - و گندم مصری و پنبه و مرصانی و کُنْدَر و مِنّ^{۲۷} و سنای مکی^{۲۸} و بلیسان^{۲۹} و نیل^{۳۰} و تریاک و مقل ازرق^{۳۱} و زیتون و نیشکر و انجیر و لیمو و... به عمل می‌آید و مرجان و لعل و عقیق و نیز بخور از قبیل میعه^{۳۲} و کافور و قسط^{۳۳} و غیره موفور.

و در این اقلیم، انواع حیوانات می‌شود، ولی میمون و نسناس^{۳۴} زیاد دارد و شتر مرغ و ملخ هم بسیارند - که بعضی از اعراب می‌خورند - و گوره‌خر و شتر جمازه^{۳۵} بسیار است. گاو و گاومیش بسیار دارد؛ ولی اسب این اقلیم امتیاز (ی) از جمیع اسب‌های عربی زمین دارد که: می‌گویند از تخمه اسب‌های اصطبل خاصه حضرت سلیمان نبی است که باقیمانده؛ الحق هم هر نسبتی به این اسب‌ها بدهند جا دارد. کلیّه اعراب، با غیرت و قطاع‌الطریق و در دویدن کمال مهارت را دارند و در عقد اخوت که بستند نقض نمی‌کنند و از میهمان خود هیچ چیز را مضایقه ندارند و اسمراللونند^{۳۶} و سخن را از مخرج ادا نمایند و دقت زیاد در قرائت کلام‌الله دارند که معنی تلاوت قرآن مخصوص به همین طوایف است.

و گویند: ما از نواده و دودمان اسماعیل ذبیح‌الله و اولاد ابراهیم خلیل‌اللهیم. وقوت غالب اعراب بدوی، شیر و گوشت شتر و گوسفند است و همین اعراب، بعد از حضرت ختمی‌مآب شرق و غرب عالم را متصرّف شدند و در اشعار و طبابت و ریاضی و نجوم، کمال مهارت را داشته و ارقام هندسی متداولی در همه روی زمین از همان مخترعات اعراب است که الی یومینا هَذَا در میان همه ملل و دول معمول و متداول است.

ملبوس^{۳۷} صیف و شتاء اهل این اقلیم یکی است و مذهبشان تسنّن و مطلق لغاتشان عربی و

بعضی از طوایف آن‌ها جیم را گاف تلفظ می‌کنند. خط قدیم‌شان کوفی و حالا نسق (نسخ) است و مسکوک طلا و نقره هر مملکت در این اقلیم رواج است که برمی‌دارند. زیاده بر این بیان عربستان در این جا لازم نیست.

متعلقات بندر ینبع

آب این بندر از باران و طرف مغرب آن دریا و از بنادر بحرالأحمر است و چون تقریباً در تحت منطقه حاره است، بسیار گرم است؛ به طوری که زمستانش از تابستان طهران گرم‌تر است و شب‌نیم زیاد دارد؛ تقریباً دارای دو هزار خانه است که همه عرب‌اند و از جانب دولت عثمانی هم معدودی نظام و جمازه‌سوار مأمور هم دارد و حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در ینبع وقفیاتی دارد که به اولاد آن حضرت می‌رسد و آن‌ها را منازل بنی‌الحسین نامند و در طرف جنوب شرقی این بندر، به فاصله ۲۵ ساعت جبل صبح^{۳۸} واقع و راه مدینه طیبه از جنب همین کوه است و جنگ بدر در دامنه آن واقع شده، قال الله تعالی: ﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ﴾.^{۳۹}

در غربی ینبع به فاصله نیم ساعت، مزار شیخ زارع که از اولاد حضرت ختمی مآب است، واقع شده و در شمال ینبع به فاصله نیم ساعت، قدمگاه شیخ «سنوسی» است که صاحب طریقه شاذلیه است.

وسط شمال و مغرب به بعد ده دقیقه قدمگاه شیخ (فواج) واقع است.

در جنوب ینبع به فاصله ده دقیقه در میان دریا جزیره کم عرض واقع، قبر سیدالعباس که از اولاد حضرت رسول الله است، در آنجاست.

جبل رضوا^{۴۰} در شمال ینبع به فاصله دوازده ساعت واقع و از همه جبال اطراف ینبع بزرگتر و طولانی‌تر است و دارای دره‌های زیاد و چمن و آب جاری و معدن مس است و برخلاف سایر کوه‌های آن اطراف آب و آبادی و هوای آنجا خوب است.

«کیسائیّه» را عقیده آن است که حضرت محمد حنفیه در این کوه غیب کرده، حی و قائم آل محمد است.

جبل ملحه که ملحیه نیز گویند، در شرق ینبع به فاصله شش ساعت واقع و کوچک‌تر از جبل صبح است.

اسکله مدینه طیبه است و در جنوب غربی مدینه در کنار بحرالأحمر واقع و حصار و بازار نیز دارد و مسافتش تا به دریا بیست میل است.

راه ینبع الی مدینة طیبہ

از ینبع الی مدینة منوره شش منزل مسافت است.

✽ **منزل اول؛** محطه مسهلی که در سمت شرقی شمال ینبع به بعد پنج ساعت واقع و محل عسکر جمازا سوار است. آبش آب چاه و آب باران هم ذخیره می نمایند و این مسافت همه صحرای بی آب و خارشتر بسیار دارد و جبل رضوا در شمال این قریه به فاصله هفت ساعت واقع گردیده. از ینبع الی قریه حمرا - که ذکرش می شود - راه تقریباً در میان شمال و مشرق و از قریه حمرا الی مدینة منوره در جهت شمال مایل به شرق است؛ دیگر در هر نقطه از راه تکرار سمت آن نقطه لازم نیست.

✽ **منزل دوم؛** بئر شیخ ابراهیم است که از قریه مسهله هفده ساعت مسافت دارد؛ هشت ساعت که از مسهله دور می شوند، به دامنه کوه ملحیه می رسند که تقریباً هفت الی هشت ذرع



مرتفع است و از دامنه کوهسار معروف رضع محسوب است که بین ینبع و صفرا^{۴۱} است. و از اینجا تا منزل، نه ساعت مسافت است که همه را باید از میان کوهستان عبور نمود - که سنگلاخ زیاد هم در بین راه دارد - یک ساعت تقریباً به منزل مانده، به بئر سعید می‌رسند که آن هم منزل است. از مسهله الی بئر شیخ ابراهیم، تمامی این مسافت آب و آبادی ندارد و خارشتر بسیار دارد و جبل صبح در پهلوی راه واقع شده و به تدریج عقب می‌ماند و بئر مذکور چاهی است که عمقش پانزده ذرع و آبش شیرین و شیخ ابراهیم قائم مقام حالیه ینبع، در آنجا احداث کرده است و خود مشارالیه مرد معقولی و خیلی با اهل حاج با سلوک است.

✽ منزل سیّم؛ قریه حمرا است که در شرقی شمالی بئر شیخ ابراهیم، به فاصله شش ساعت واقع است؛ یک ساعت که از بئر شیخ ابراهیم دور می‌شوند، به زمینی می‌رسند که اوّل درّه است. مردم در آنجا سنگ بر روی یکدیگر می‌گذارند.

به فاصله دو ساعت و نیم از بئر شیخ ابراهیم، درست یسار متصل به راه بئر بیت شیخ است که آبش قدری شور و مسقف است. از این بئر بیت شیخ که می‌گذرند، عبور به میان عقبه، مسمی به دُفران است که خیلی تنگ و حدّ مابین ینبع و جدیده است. بعد به وادی صغرا سرازیر می‌شوند و کوه‌های اطراف راه، تقریباً سی - چهل ذرع مرتفع‌اند.

به فاصله سه ساعت و نیم از این چاه، در سمت یسار، متصل به راه، بقعه کوچکی است که مقبره ابو عبیده سعید، ابن عمّ جناب ختمی‌مآب و اطرافش قبرستان وسیع است که به دامنه کوه متصل می‌شود. آب انباری هم دارد که آب باران در آنجا جمع می‌شود. در همین نقطه راه ینبع، به جاده سلطانی مابین مکه و مدینه ملحق می‌شود که تقریباً در شمال این نقطه به فاصله دو سه منزل مدینه منوره و در جنوب به بُعد هفت - هشت منزل مکه معظمه واقع است و جبل صغرا در مقابل راه، از دور پیدا است که تقریباً به طرف یسار جاده کشیده شده و قریه صغرا در دامنه آن است.

به فاصله نیم ساعت، از ابو عبیده سعید وارد قریه حمرا می‌شوند که متصل به سمت یسار جاده، آبادی و نخلستان و آب جاری دارد و در سمت یمین جاده متصل به راه مقابل قریه حمرا کوه حمراست و جبل بدر در عقب سر واقع است و در انتهای آبادی این قریه، در طرف یسار جاده، دولت عثمانی قلعه‌ای جهت عسکر خود ساخته که بالفعل خراب است و اراضی مابین ینبع و حمرا، غالباً محل سکناى عشایر اعراب است و هر کس در حمرا منزل ننماید، سه ساعت هم باید برود تا به قریه جدیده برسد.

❖ **منزل چهارم؛** بئر عباس است که تقریباً ده ساعت از قریه حمراء مسافت دارد.

به فاصله سه ساعت از قریه حمراء، از جاده هموار سلطانی که می‌روند، به قریه «جدیده» می‌رسند. میان اعراب مشهور است که جدیده در منتصف، راه از ینیع به مدینه منوره واقع است و از جدیده تا «بدر» یک منزل است که این مسافت وادی مغموری است و چند آبادی هم دارد و قریه «جدیده» در میان کوه بالای تپه واقع و تا قلّه کوه، خانه و آبادی دارد و تقریباً طول نخلستان و آبادی این قریه نیم ساعت و آب جاری بسیار گرم نیز دارد؛ مثل آب معدنی، ولی بعد از سرد شدن خوش طعم است؛ هندوانه و بستان نیز دارد و دیواری محکم در جدیده به مثابه خاکریز در بالای تپه به طول زیادی کشیده شده است که از پهلوی آن می‌گذرد و در آخر آبادی دولت عثمانی قلعه‌ای جهت عسکر خود ساخته و بالفعل مخروبه است. در مقابل این قراول خانه، سمت یمین جاده، در دامنه کوه مقبره جناب «تبرخ اسود» است و راه از جدیده به بئر عباس، تقریباً از شمال ده درجه مایل به مشرق است.

به فاصله شش ساعت از جدیده که همه را از میان درّه تنگی باید گذشت، راه به طرف یسار مایل می‌گردد و درّه مزبور وسیع شود به مثابه صحرا می‌گردد و بعد از شش ساعت و سه ربع، از جدیده که می‌گذرند، از میان درّه بیرون آمده، به بئر عباس می‌رسند و منزل مزبور آبادی ندارد، فقط چاهی است که محیط‌اش بیست ذرع و عمق آن نیز تقریباً همین قدر ذرع است و از سطح آب تالب چاه، سنگ‌چین و خیلی محکم ساخته‌اند. از خارج هم پله دارد تا قعر چاه می‌توان رفت و آب برداشت و نزدیکی آن چاه سمت یسار جاده، عثمانی‌ها قلعه برای عسکر ساخته‌اند که بالفعل خراب است و از ینیع الی بئر عباس، بلکه تا مدینه منوره، همه جا در میان راه و اطراف اشجار جنگلی و مغیلان فراوان است که بهترین صمغ عربی از همان درخت مغیلان است که به عمل می‌آید.

❖ **منزل پنجم؛** بئر شریوف است که به فاصله پانزده ساعت و سه ربع از بئر عباس فاصله دارد.

به فاصله یک ساعت از بئر عباس، کوه سمت یسار جاده که تقریباً به مسافت نصف میدان است، مسمی به «کوه ورکال» و کوه مقابل مایل به یسار به فاصله یک ساعت تقریباً، مسمی به کوه «فقره» است.

به فاصله دو ساعت از بئر عباس، جلگه تمام می‌شود و راه داخل دره می‌گردد که تقریباً ربع میدان فاصله دارد - و کوه ورکال در یمین جاده واقع است که راه از دامنه آن است و کوه فقره در سمت یسار است.

به فاصله چهار ساعت از بئر عباس در سمت یمن، متصل به راه بئر، «روحا» واقع است.
به فاصله پنج ساعت و نیم از بئر عباس، راه به سمت یسار منحرف می گردد و کوه فقره نیز در سمت یسار است.

به فاصله هفت ساعت از بئر عباس، به شعب الحاج می رسند.
به فاصله هفت ساعت و نیم از بئر عباس در سمت یسار راه، سنگی است که سوراخی در بالایش دارد و مردم به طرف آن سوراخ سنگ می اندازند و این قاعده از قدیم است و وجهش معلوم نیست.

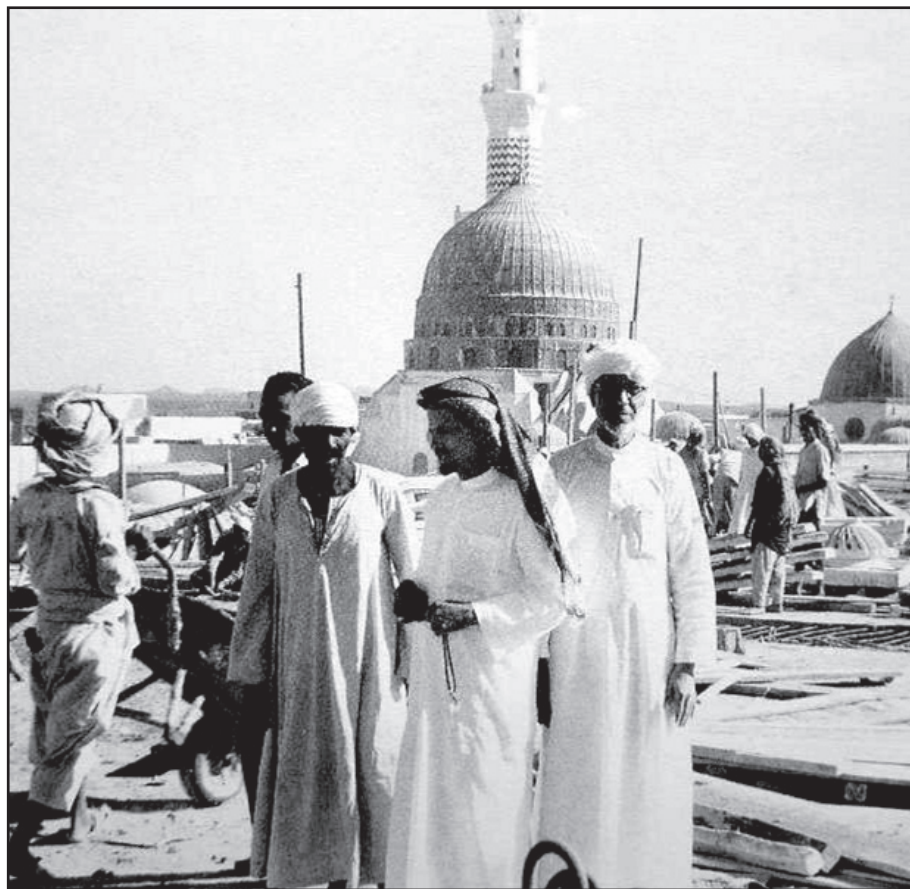
به فاصله هشت ساعت از بئر عباس، در وسط جاده سنگی عمودی تقریباً به ارتفاع یک ذرع و به قطر نیم ذرع نصب کرده اند، معلوم نیست برای چیست!
به فاصله هشت ساعت و نیم از بئر عباس به سمت یسار جاده، قبور شهدای غیر معروف واقع است، چاهی هم دارد.

به فاصله پانزده ساعت و سه ربع از بئر عباس، در سمت یسار راه، چاهی سنگ چین و عمیق تر از بئر عباس و مسمی به بئر «شریوفی» است.

* **منزل ششم:** مدینه منوره است که به بُعد نه ساعت و سه ربع از بئر شریوفی فاصله دارد.
به فاصله سه ساعت از بئر شریوفی، سمت یسار راه به فاصله ده ذرع، آثار خرابه ای است، چهار ذرع در چهار ذرع، به فاصله سه ساعت و نیم از بئر شریوفی به «تپه سلام» می رسند که کوهی است در یمن راه به ارتفاع ده - دوازده ذرع تقریباً که از قلّه آن گنبد منور حضرت ختمی مآب و گنبد ائمه بقیع پیدا است؛ مردم در بالای این کوه رفته، مواجه گنبد مطهر ایستاده و نگاه می کنند و دعای مخصوص دارد، می خوانند؛ چون از دامنه این کوه الی قله که زیاده از چهارصد - پانصد قدم نیست، صعب و سخت است، خیلی لازم است که بانی پیدا شود و راهش را صاف و هموار نماید که مردم به سهولت بالا روند و دعا و نماز بخوانند.

به فاصله هفت ساعت از بئر شریوف، در سمت یمن راه، به مسافت صد ذرع تقریباً، مسجد شجره واقع است که «ذوالحلیفه» نامند و نخلستان نیز دارد؛ آبش از چاه هایی است که عمقش تقریباً سه قولا^{۴۲} است و میقات گاه حاج شامی و مدینه است که حاج در این جا غسل کرده و مُحرم می شوند و آن مسجد عبارت از چهار دیوار مختصری است که یک طرفش مُسَقَف و چند درخت نخل دارد و حدیثی از صحیح بخاری در جدار این مسجد نوشته که حضرت ختمی مآب در این مسجد نماز خوانده اند و در سمت یسار آن به فاصله ربع میدان تقریباً قریه ای است مسمی

به «بئر علی» که الآن اعراب به همین اسم مسجد شجره را هم بئر علی و آبار علی می خوانند. قبل از رسیدن به مدینه منوره، آثار قلعه خرابه بزرگی است که دیده می شود که گویند قبل از بنای مدینه این حصار را یهودی ها ساخته، مسکن داشتند؛ شاید قصور العقیق که حصون العقیق نیز در کتب در نزدیک مدینه ضبط شده است، همین جا باشد. قبل از وصول به مدینه منوره، به فاصله یک ساعت کمتر تقریباً، مکانی است مشهور به «مدرج»، از این زمین که بالا می روند، میل های گنبد مطهر نمایان است. به فاصله نه ساعت و ربع از بئر شریوف وارد مدینه منوره می شوند؛ اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا.



ذکر مجملی از مدینه الرسول

حدود طرف شرقی مدینه، کوهستان و قلعه خیبر و غربی اش بحر الأحمر و شمالش قلعه مرو جنوبش بیت الله الملك الأكبر است.

مدینه شهر محکمی است از عربستان، در ایالت حجاز، در شمالی مکّه معظمه، به مسافت سیصد و نود کیلومتر - که ده منزل است - واقع گردیده و در بعضی از کتب نود و پنج اسم از برایش ذکر شده و زیاده از صد خاصیت از خصائص متعلقه به آن بیان شده؛ یکی از خصائص آن است که هر که بدانجا رسد، بوی خوش شنود و عطر در این شهر بیشتر از مواضع دیگر بو دهد و هرگز طاعون نباشد.

خود این بنده هوای مدینه را الطف و انور از همه جا دیده، روحانیت خاص دارد. بعضی از مورّخین گویند که وجه تسمیه اش به «یثرب» آن است که: یثرب بن قایه آن را بنا نموده، چون زبان معجز بیان حضرت سید الانام بدان نام جاری گردیده، هر آینه به مدینه سمت اشتها پذیرفته و در بعضی از کتب «مدینه السماء» نامند و حرم دویم و اشرف بقاع ارض و در مکان مأمونی واقع شده و در وقت سیول امطار، آب های این وادی از حرّه بنی سلیم آمده، بعد از وادی الغابه گذشته، بعد از آن به وادی احمد آمده در این جا متفرق شود و بدو چاه داخل می گردد که یکی را بئر «رومه» و یکی را بئر «عروه» گویند و جبل احمد که رنگش قرمز و راهش هموار، در طرف شمالی مدینه به مسافت دو ساعت کائن، و مقبره حضرت حمزه در دامنه آن واقع و از مدینه دو میل بعید است که به زودی ذکرش بیاید و اکثر زمین مدینه شوره زار و چهار وادی را داراست: وادی بطحان، وادی عقیق اکبر، وادی عقیق اصغر، وادی قنات.

وادی بطحان، از شمال به جنوب ممتد و طرف غربی اش حرّه و جنگی که در مدینه واقع شده و خندقی که در عهد حضرت رسول الله حفر گردیده، از اعلای همین وادی است که زمین رملّه و نجد و آثار آبادی و عمارت بسیار دارد و طرف شرقی وادی بطحان کوه سلع است که منفصل و طولانی و امتداد یک گوشه آن تا نزدیک سور مدینه است که به همین جهت این دروازه را «باب الجبل» نامند.

در این مدینه جنگ خندق، در ماه شوال سال پنجم هجری واقع گردیده که وقعه «حزب الأحزاب» گویند؛ چون حضرت امیر مقابل عمرو بن عبد ودّ در روز جنگ خندق ایستاد. حضرت رسول الله فرمودند: «نور الايمان كله علي الشرك كله» و چون عمرو را کشتند، حضرت رسول الله فرمودند: «ضربة علي في يوم الخندق افضل من عبادة الثقلين» و اطراف این خندق در آن وقت خانه ها

بوده ولی حالا آبادی ندارد. بالأخره عضدالدوله فناخسرو دیلمی در مدینه بنای قلعه گذاشته و در خارج سور نیز خانه بسیار است.

شاهزاده معتمدالدوله فرمان فرمای فارس، در روزنامه «سفر مدینه السلام و بیت الحرام» می نویسد که قلعه مدینه از محمد بن علی الملقب به جمال الدین المعروف بالجواد الاصفهانی است که بعد سلطان سلیمان تجدید کرده است. شاید این شخص که شاهزاده اسم برده، بعد از عضدالدوله باشد و مرقد اسماعیل بن جعفر صادق (علیه السلام) در پهلوی دیوار قلعه مدینه است و این شهر خیلی کوچکتر از مکه، ولی هوایش سالم، آب روان و زروع و نخیل دارد.

یکی از آب های سبک عربستان همین آب یثرب است و قناتی که به مدینه از قریه قبا جاری است، «عین ذرقا» گویند و نخلستانش را از چاه آبیاری نمایند؛ خرمای مشهوری دارد که مخصوص به مدینه است که تمر «بردی» و تمر «صبحانی» گویند که در بلاد دیگر نمی شود و نیز خرمای سلطانی یک نوع خرمایی است که مخصوص مدینه است و نیز حبالبان^{۴۳} دارد که به سایر بلاد نقل می نمایند.

ششصد و بیست و دو سال بعد از میلاد حضرت مسیح (علیه السلام) حضرت رسول الله از مکه به مدینه هجرت فرمودند که تاریخ ما مسلمین از همان وقت است که تاریخ هجری گویند و به قولی در ششصد و سی و دو از میلاد مسیح در مدینه دار فانی را وداع و به دار باقی رحلت فرمودند و حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) آن حضرت را غسل داده، دفن کردند و اعظم مزیتی که بر مداین دیگر دارد همین است که در زمان آن حضرت پای تختش و حال مضجع آن حضرت است.

مطاف طوایف انام در این شهر و مقام است و نیز ائمه معصومین، به غیر از حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام) که در منزل - ابواء - که در (میان) مکه و مدینه واقع گردیده و حضرت امام محمد مهدی که در سامره متولد شده، مابقی ائمه در مدینه طیبه به وجود آمده اند.^{۴۴}

طول مدارج شرقی این شهر، نسبت به جزایر خالدا که مبدأ طول منجمین قدیم بوده ۷۵ درجه و بیست دقیقه و نسبت به دارالخلافه ناصری طهران، تقریباً یازده درجه غربی و نسبت به پاریس سی و هفت درجه و سی و نیم دقیقه و نسبت به گراندویچ لندن سی و نه درجه و پنجاه و پنج دقیقه است. و عرض مدار شمالی اش از خط استوا ۲۵ درجه و طول نهارش سیزده ساعت و ۳۳ دقیقه و انحراف قبله اش از جنوب به طرف مشرق تقریباً ثلث درجه است؛ زیرا که مکه از جنوب مدینه تقریباً ثلث درجه مایل به مشرق است و گویند به طالع سرطان و مستویش زهره و از

اقلیم دویم و تعلق به مشتری دارد؛ و چهاردهم شهری است که در عربستان بنا گردیده است. شهر مزبور حالا بیست هزار جمعیت را دارد و مسجد محترمی در آنجا برپا (ست) که خود حضرت بنا نموده و در آنجا فریضه به جا می آورده و به عبادت و رسالت اشتغال داشته، ولی بعد از رحلت آن حضرت، در محوطه خانه اش بر مسجد اضافه نموده اند و این بنده در گاه نقشه آن را برداشته و تعیین حدودش را نموده، چنان که به زودی مذکور شود.

در زمان حضرت، جمیع بیوتی که از اطراف به مسجد در داشته، به امر حضرت مسدود نمودند مگر در خانه باب علم، حضرت علی را؛ منبری که آن حضرت بر آن خطبه می خواندند و محرابی که فریضه به جا می آوردند، محلش در میان مسجد معین است. حدیث صحیح است که میان مرقد و منبر، روضه ای است از روضات بهشت.

از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که ثواب نماز خواندن در مسجد پیغمبر (صلی الله علیه و آله) در مدینه برابر است با ده هزار نماز در جای دیگر.

چاه بضاع^{۴۵} در مدینه است؛ هر مریض و علیل که از آب آن بخورد و غسل کند شفا یابد؛ بئر قضاعه و بئر المسک - هم که در احادیث آمده - شاید همین چاه باشد که حالا به این اسم نامند و حضرت مقدس نبوی آب دهان مبارک خود را در آن چاه افکنده است.

چاه اریس^{۴۶} نیز در این شهر است. از ابوشامه روایت است که در سنه ۶۴۹ هجری، پنج شبانه روز متوالی در مدینه زلزله عظیمی شد که تفصیلش در کتاب جغرافیایی که از عربستان نوشته ام مذکور است. مکه و مدینه به «حرمین» مشهورند؛ اگر چه قدس خلیل را نیز حرم گویند، اما حرمین مطلق، همان مکه و مدینه است و مدینه را خدای تعالی مدخل صدق خوانده.

اصل بنیان قبر شریف و حجره شریفه و ضریح و محراب شریف، از بناهای ملک الاشرف قایتبای چراکسه، سلطان مصر است که در ذی الحجة الحرام ۸۸۸ هجری بنا نهاده که در این جا و در بیت الله آثار خیر از او بسیار است و در رجب ۸۷۲ در سریر مصر جلوس و در ذی القعدة نهصد و یک هجری در سن ۷۵ سالگی دار فانی را وداع کرده است؛ اجمال این احوال آن که در ثلث آخر شب دوازدهم شهر رمضان المبارک، سنه ۸۸۶ هجری که مؤذنین تمجید می نمودند، رعد و برق ظاهر شده و صاعقه نزول نموده و به هلالین مناره خورد و شق کرده و از آنجا به مناره گرفته و به مسجد شریف سرایت نموده، جمیع اسباب مسجد و مصاحف هر چه بوده سوزانیده همین فقط حجره نبوی (صلی الله علیه و آله) و بیوتی که در اطراف مسجد شریف بوده، از صدمه و سوختن این برق مستخلص شد. این فقره را به درگاه سلطان قایتبای عرض کردند. از آن جا فرستادگان معتمد تعیین و مهمات و

ملزومات را تدارک و روانه داشته و اماکن شکست خورده را کمابیتی عمارت کردند و در اطراف مسجد شریف نیز مدرسه عالی و رباط بنا نمودند و اسم او نیز در حجره شریفه و ضریح مطهر در پهلوی اسطوانه و خود در پشت محراب شریف مسطور است و مرقد مطهر در میان مشرق و جنوب شهر واقع است و سلطان سلیمان نیز محراب دیگر ساخته است که متصل به اسطوانه هفتم است که ذکرش بیاید که اسم او را نیز در پشت محراب نوشته‌اند و بنای این حرم و صحن و مسجد جدید و این استوانه‌های یکپارچه از سنگ که خیلی خوب ساخته‌اند، از بناهای سلطان عبدالمجید خان بن سلطان محمود خان است که در عرض پانزده سال به انجام رسانیده و به روضه شریفه که قایتبای ساخته است، هیچ متعرض نشده است و اسم خودش را نیز در هیچ جای از حرم - بنا بر ادب - حکم کرده که نویسند و می‌گفت چگونه من اسمی از خود در این حرم برم که سلطانم، با این که مرا یکی از بندگان ذلیل محسوب نمایند، فخر من است؛ خوش اعتقاد بوده.

ذکر مسجد رسول الله به نحو اجمال

این بنده در گاه موافق نقشه‌ای - که خود کشیده - قلمی می‌دارد. ان شاء الله عن قریب عکس نقشه خود را به جمیع ممالک اسلام و غیره فرستاده که زینت کتاب‌ها و عمارت‌ها و معابد گردد که هیئت مرقد مطهر و مسجد شریف که محل نزول ملائکه است، همیشه در نظر ما باشد و در همه جا زیارت نمایند و دعا به دوام دولت اعلیٰ حضرت ولی نعمت کل ممالک ایران نمایند که این سرمشق از آن حضرت آموخته شده و رسیده؛ زیرا که در روز چهارشنبه، نوزدهم شهر شعبان المعظم ۱۲۹۴ همین نقشه با نقشه‌های دیگر عربستان و غیره با روزنامه‌ای که در سفر بیت‌الله کشیده و نوشته بود، خواستند در بیلاق سلطنت آباد شمیران شرفیاب حضور مبارک گردیده، پس از آن که نقشه‌ها و روزنامه از لحاظ انور گذشت، به جناب امین السلطان امر فرمودند که دو قطعه از آن نقشه‌ها را که یکی همان مسجد الرسول و دیگری نقشه‌ای از بندر ینبع الی مدینه منوره را که شش منزل مسافت است در میان قاب و پشت آینه بزرگ بگذارند که همیشه در نظر مبارک باشد.

و مسجد رسول مختصراً عبارت است از ضریح مطهر که در مقابل ضلع شرقی مسجد واقع است. فقط به فاصله یک رواق و مسجد مسقف در غربی ضریح مطهر و وسعتش زیاد است و صحن در طرف شمالی مایل به مغرب ضریح است که شرحشان بیان می‌شود.

ضلع جنوبی تقریباً صد و بیست و هشت قدم طول، هفده ستون و جرز^{۴۷} سنگی و دو رواق

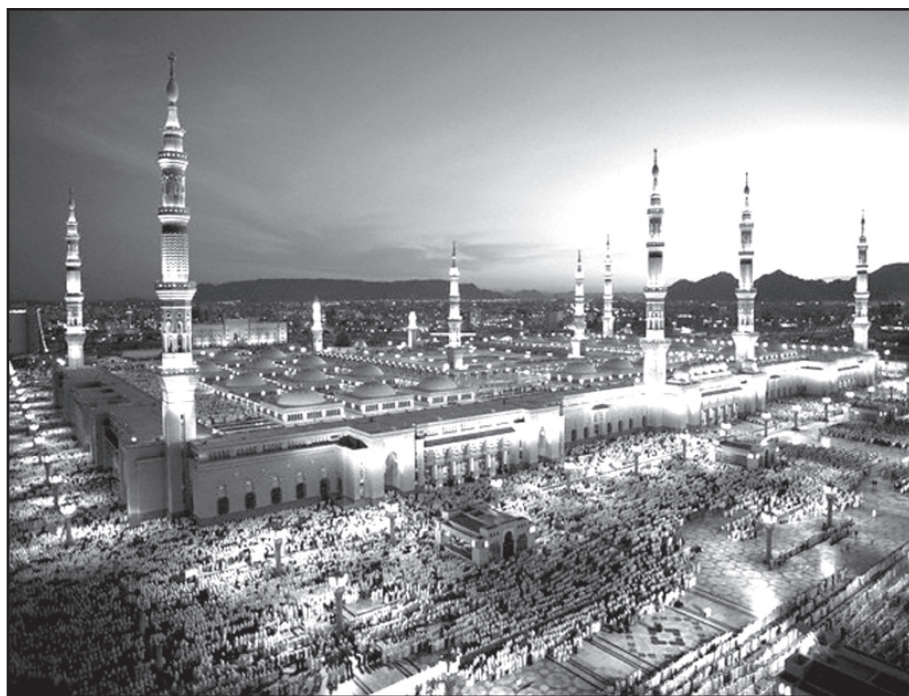
هفت قدم عرض دارد و جمیع ستون‌ها و دیوار و سقف مسجد از سنگ است؛ در هر جا محتاج بیان نیست.

و مقیاس مسجد رسول الله از این قرار است که در مسجد مُسَقَّف، بُعد مابین ستون‌ها هفت قدم و فاصله ستون‌های اطراف صحن نُه قدم است و سه قدم تقریباً دو ذرع شاه^{۴۸} است. پس از همین مقیاس جمیع ابعاد نقشه مسجد را می‌توان دانست که نسبت به هم چقدر بُعد دارند.

ضلع غربی دویست و بیست قدم طول و بیست و هفت ستون و جرز دارد. درب اول ضلع که جنوب و غرب است، درب مسجد است که باب السلام و در صد قدمی درب دیگر مسجد است، که باب الرحمه و این امتداد یک رواق هفت قدم عرض و بعد از باب الرحمه سه رواق نُه قدم عرض در مقابل صحن مطهر دارد.

ضلع شمالی صد و بیست قدم طول و سیزده ستون و جرز و دو رواق نُه قدم عرض دارد و در آخر ضلع دو زاویه شمال و شرق است.

[نیز] مسجد را دری است که قدیماً باب توسل و الحال باب مجیدی گویند.



دقیقه

ضلع شمالی تقریباً هشت قدم از ضلع جنوبی مقابل خود، به سبب پیش آمدن دیوار شرقی از باب نساء الی باب مجیدی، به میان مسجد کوتاه تر شده است.

ضلع شرقی دویست و بیست قدم طول و دوازده ستون و جرز و دو رواق نه قدم عرض دارد که بعد از این دوازده ستون صحن مطهر تمام و داخل مسجد مسقف و حرم مطهر و ضریح مبارک می شوند که بعد از این دوازده ستون، مقابل صحن مطهر پانزده ستون و جرز الی ضلع جنوبی دارد؛ پس جمیعاً ضلع شرقی، بیست و هفت ستون و جرز دارد و در این ضلع شرقی در مقابل ضریح، دو درب مسجد است که «باب النساء» و «باب جبرئیل» نامند.

طول ضریح مطهر از باب جبرئیل از شمال به طرف جنوب شش دهنه و تقریباً ۵۶ قدم و عرضش از مشرق به مغرب چهار دهنه و سی و چهار قدم است. عرض مسجد جدید مبارک از شمال به جنوب، شش ستون و طولش از مشرق به مغرب هفت ستون است که جمیعاً چهل و دو ستون می شود.

این سعه که عبارت از روضه مبارکه و فضای مسجد رسول الله بوده است و حد حرم جدید که بعد خلفا به مسجد اضافه کرده اند، در طول نه ستون و در عرض شش ستون که جمیعاً پنجاه و



چهار ستون است؛ و در اواخر نیز بر مسجد اضافه کرده‌اند؛ چنان که مذکور شد عرض از مشرق به مغرب پانزده ستون و طول از شمال به جنوب بیست و پنج ستون است که مضروبش سیصد و هفتاد و پنج ستون می‌شود بدون جرز دیوارها.

ولی وسعت صحن مطهر و حرم و بعضی از ستون‌های دیگر، اسقاط می‌شود که از روی نقشه حسابش معلوم می‌شود که چند ستون دارد.

قبر مطهر، بلند و مستور از پرده که احدی به چشم خود قبر را نمی‌بیند و می‌گویند حدیث در این خصوص وارد است که نباید کسی چشمش به قبر مطهر بیفتد و ضریح مطهر هیچ در ندارد، مگر چهار در از اطراف که سه در از همان روضه حضرت زهرا، یکی به طرف شمال که اغلب بسته و دو در پهلوی هم رو به شرق که دو قدم نیز عقب‌تر است؛ بدین جهت جلو درب وسعتی به هم رسانیده، گاهی خواجه‌های حرم از برای جاروب کردن و چراغ گذاردن، اول به مقبره حضرت زهرا بعد از آنجا داخل مرقد مطهر می‌شوند و به غیر از این خواجه‌ها، احدی قادر بر دخول صحن مطهر نیست و دری هم از طرف مغرب مابین اسطوانه حرس که محرس نیز نامند و اسطوانه وفود دارد که همیشه بسته است.



دقیقه

چندین مجموعه بخور در روضه مبارکه است که رویشان مجموعه پوش‌های مفتول انداخته‌اند که در هر سال، روز نوزدهم ذی القعدة الحرام، به احترام تمام بخورات مزبور را عوض می‌کنند و بخورات قدیم را خادمین حرم میان خود تقسیم می‌نمایند.

ذکر مسجد حضرت رسول الله ﷺ به نحو تفصیل

ضلع جنوبی که مذکور شد، ۱۲۸ قدم طول، پانزده ستون و دو جرز سنگی به دیوارهای طرفین و دو رواق دارد؛ شرحش از این قرار است:

محاذی ستون اول به بعد، سه قدم از آن ستون در زاویه جنوب و شرق مسجد، انباری است که به میان رواق دو در دارد: یک درش رو به شمال و یک درش رو به مغرب؛ که این در غربی منسوب به درب «بلال»^{۴۹} است.

گویند در عهد حضرت رسول الله ﷺ، حضرت بلال از این در به بام مسجد می‌رفته و اذان می‌گفته و الآن هم در این جا مناری هست مسمی به مناره «رأسیه» به مناسبت این که در بالای سر حضرت پیغمبر ﷺ واقع است و از میان همین انبار پله دارد که بالایش می‌روند و در میانش اذان می‌گویند.

مقابل ستون دوم و سیم، در بالای دیوار جنوبی مسجد، پنجره‌ای است؛ گویند که محل باب عَشْرَة مُبَشِّرَة^{۵۰} بوده، مقابل شمالی ستون چهارم عرض ضریح مبارک تمام می‌شود که عبارت از سه پنجره برنجی است و دو ستون مرمر در وسط آنها است و دو پی - چهار قدم عرض - سنگی هم در طرفین ضریح دارد و در طول شش پنجره فولادی است که به رنگ سبز کرده‌اند و در شب‌ها دو شمعدانِ مرصع پشت این پنجره برنجی می‌گذارند و به غیر از این شمعدان‌ها، مرقد مطهر، زینت دیگر ندارد.

تنبيه

از پهلوی ضریح الی محاذی رواق باب السلام که انتهای همین ضلع جنوبی است، مابین ستون‌های این امتداد را به بلندی یک ذرع با لوله‌های برنجی مثل محجره بسته‌اند و در این امتداد در پنج در جا گذارده‌اند. وقت نماز این درها را می‌بندند تا کسی از رواق جنوبی - به غیر از این درها - نتواند داخل مسجد بشود؛ چون اهل تسنن نمی‌گذارند وقت نماز از محاذی کسی که نماز می‌گزارد، بگذرند؛ مابین ستون ششم و هفتم یکی از این درهای محجره برنجی است و پهلوی

این در اول، محراب حضرت و مقابل ستون هفتم منبر پیغمبر است و پهلوی منبر مابین ستون هفتم و هشتم یکی از درهای دیگر محجره برنجی است و دو درب دیگر این محجره در طرفین محراب سلطان سلیمان و یک درهم دو ستون به آخر ضلع جنوبی مانده دارد.

ملاحظه

در مقابل محراب حضرت، در میان دیوار جنوبی، محراب بزرگش نیز گویند و به خصوص مابین این دو محراب در رواق، ستون هفتم را نگذاشته‌اند که بدین جهت در رواق وسعتی به هم رسانیده، در سقف مسجد همین سعه چهل چراغ بزرگی آویخته‌اند.

نکته

برای آن که مابین حرم مبارک و مسجد شریف فرقی باشد، در اسطوانه‌ها فرق گذاشته‌اند؛ یعنی کمر ستون‌های حرم را با سنگ مرمر سفید متضلع که (دارای) خیارها [شاید: شیارها] باشد، بسته‌اند و مابقی ستون‌های مسجد این وضع را ندارد، همان یکپارچه از سنگ است و عرض مسجد مبارک چنانچه ذکر شد که به طرف شمال و جنوب است، شش ستون دارد که دو پایه آن‌ها مربع و چهار ستون دیگرش مدور است و در بالای اسطوانه اول و دوم و سیم نوشته‌اند: اسطوانه سریر و اسطوانه حرس که صحیحش محرس (است) و اسطوانه وفود، طول مسجد مبارک که به طرف شرق و غرب است، هفت اسطوانه است که یکی پایه‌اش مربع و شش اسطوانه مضلع است که در اسطوانه اول و دوم، ردیف دوم که مقابل ضریح واقع است، نوشته‌اند استوانه توبه؛ در همان اسطوانه ابی‌لبابه است و اسطوانه عایشه - که در جنب اسطوانه مخلقه است - و اسطوانه حنانه، محاذی پله اول منبر شریف است.

و اصل ضریح و گنبد مطهر، چنان که ذکر شد، از بنای قایتبای است که ضریح عبارت از شش دهنه است طولاً و سه دهنه است غرباً و سه دهنه جنوبی؛ چنانچه ذکر شد، شبکه برنجی و سه طرف دیگر فولادی است که رنگ سبز کرده‌اند و چهار پایه مربع محکم سنگی، چهار قدم در چهار قدم، در چهار طرف دارد که بنیان گنبد مطهر قبر مبارک روی این چهار پایه است و چنان محکم ساخته‌اند که پایه طاق مسجد را هم بر روی آن گذاشته‌اند و دو پایه دیگر هم دارد که خانه حضرت فاطمه علیها السلام و به احتمال قبر مبارک ایشان است. پس معلوم شد که این دو ضریح یکی (است) و شش پایه دارد و به شکل مستطیل است.

و باقی اراضی از طرف شمال که به حرم اضافه شده، مرحوم سلطان عبدالمجید خان علاوه

کرده و زمین‌های پست و بلند را تسطیح نموده و اکنون تمام اسطوانه‌های روضه و حرم مبارک و اطراف صحن مطهر، با نصف ستون‌های مربع دیوارها زیاده از سیصد و پنجاه ستون است؛ چنانچه گفتیم محققاً از روی نقشه معلوم می‌شود.

مقابل ستون دهم سلطان سلیمان بن بایزید عثمانی محرابی ساخته است. از ستون دهم الی آخر ضلع جنوبی، چنان که ذکر شد، زاید بر مسجد حضرت و حرم جدیدی است که بعد از حضرت مسجد را وسعت داده‌اند.

دقیقه

طرف شمالی محراب رسول الله ﷺ به فاصله سه ستون از محراب، کمر چهار ستون را با تخته بسته‌اند که مؤذن و مکبر بالایش رفته اذان و تکبیر می‌گویند.

و در طرف شمال مایل به مشرق این مؤذنه به فاصله چهار ستون همان‌طور تخته‌بندی کرده و مؤذنه حضرت بلال رضی الله عنه است.

ملاحظه

دیوار جنوبی مسجد، از ستون اول الی ستون سیزدهم، طاق رواق را در زدن، خیلی استادی به کار برده‌اند که اجمالش از این قرار است: این چند چشمه طاق یک پایه‌اش را همان روی ستون سنگی رواق و پایه دیگرش را بر روی سرزبانه بالای دیوار جنوبی که پیش آورده‌اند، بدون پیش آوردن سرزبانه از پایین پی زده‌اند و مابقی طاق متصل به دیوارهای مسجد را به قاعده زده‌اند یک پایه طاق را روی ستون و پایه دیگر بالای سرزبانه پی است.

ضلع غربی - که دویست و بیست قدم طول و بیست و شش ستون و جرز دارد - تفصیلش این است: در زاویه جنوب و مغرب مسجد، مخزنی است برای اسباب و متصل به آن مخزن باب السلام است. و از این زاویه الی وسط باب الرحمه که صد قدم طول دارد، در اول زاویه جرز و یازده ستون و یک رواق هفت قدم عرض دارد و بیان و دقتی ندارد مگر از محاذی ستون هفتم و هشتم که به ضلع شرقی نگاه می‌کنی، باب جبرئیل واقع شده است و در میان دیوار غربی مزبور به قطر یک و جب و بیشتر، دولا بچه‌های^{۵۱} متعدد از برای خادمین حرم گذاشته‌اند که اسباب بگذارند و از وسط باب الرحمه الی آخر ضلع غربی، صد و بیست قدم طول و سه رواق نه قدم عرض و چهارده ستون و جرز سنگی و مقابل صحن می‌باشد که شرحش از این قرار است: برابر ستون یازدهم و دوازدهم باب الرحمه است که مقابلش در ضلع شرقی باب نساء واقع گردیده و از

باب الرحمه الى آخر ضلع غربی چنانچه ذکر شد، سه رواق، نه قدم عرض دارد و در جنب این رواق ها صحن مطهر است؛ ولی ضلع شمالی و شرقی متصل به صحن دو رواق دارد که عن قریب بیان می شود.



ملاحظه

ستون یازدهم را که مقابل باب الرحمه است، گویا به ملاحظه وسعت جلو [ی] درب به قدر دو قدم تقریباً به میان مسجد؛ یعنی طرف شرق پیش برده‌اند. بدین جهت، رواق از باب الرحمه الی آخر ضلع غربی، نه قدم عرض به هم رسانیده و از برای تغییر همین ستون و دو ستون بعد از آن است که اغلب ستون‌های مسجد مُسَقَّف و ستون‌های شمالی صحن از محاذات هم تقریباً بیرون رفته‌اند.

ضلع شمالی صد و بیست قدم طول و یازده ستون و دو جرز سنگی، در طرفین ضلع و دو رواق نه قدم عرض دارد و مقابلش صحن مطهر و تفصیلش از این قرار است: در زاویه شمال و مغرب انباری است که درب مناره سلیمانیّه که ذکرش بیاید از پهلوی این انبار است و در پهلوی این انبار متصلاً مخزن کوچکی هم در میان دیوار از برای گذاردن اسباب ساخته‌اند. محاذی ستون سیم و چهارم در میان دیوار جایی درست کرده‌اند که شمع و مایحتاج را می‌گذارند. مقابل ستون ششم و هفتم نیز در میان دیوار جایی از برای غسل کردن ساخته‌اند. در محاذی ستون نهم و دهم باب توّسل است که باب بسیار عالی سلطان عبدالمجید خان عثمانی ساخته و جلوخان خیلی خوبی دارد که در هر طرفش سه اطاق متصل به هم از برای مستحفظین حرم و مسجد ساخته‌اند و الآن این باب، مشهور به اسم سلطان عبدالمجید خان است؛ پهلوی این باب در زاویه شمال و مشرق انباری است که رو به مغرب دری دارد که از این در به بالای مناره سلطان عبدالمجید خان می‌روند.

ضلع شرقی دویست و بیست قدم طول و دوازده ستون و جرز و دو رواق نه قدم عرض دارد و در مقابل صحن واقع گردیده و این دو رواق را مسجد زنانه کرده‌اند؛ یعنی از محاذی ستون دوم باب مجیدی، دیواری به قدر قامت انسان در فاصله ستون‌ها کشیده شده و رواقین را تا آخر صحن مسجد زنانه کرده‌اند و در این امتداد نیز دو درب مشبّک چوبی دارد؛ یکی مابین ستون چهارم و پنجم و یکی مابین ستون هفتم و هشتم است و در محاذی ستون هشتم و نهم و نصف دهم، به فاصله هفت قدم از ستون کنار صحن، باغچه [ای] در میان صحن واقع است که شش درخت نخل و غیره، بسیار خوش وضع دارد و در جنب جنوبی این باغچه، چاه آبی است به قدر چهار - پنج ذرع ریسمان می‌برد، آب دارد و بئر الرسول نامند و گویند این موضع خانه حضرت امیرالمؤمنین [علی] علیه السلام بوده است. لهذا الآن هم باغچه مزبور مشهور به باغچه حضرت فاطمه علیها السلام است و بعد از ستون دوازدهم از صحن داخل مسجد مُسَقَّف می‌شوند که تا آخر ضلع جنوبی پانزده ستون و جرز است. پس مجموع ضلع شرقی چه صحن و چه مسجد مُسَقَّف، بیست و هفت ستون و جرز

است. مقابل ستون سیزدهم و چهاردهم در دیوار شرقی باب نساء است که دخیلی به صحن ندارد و داخل مسجد مسقف است و برابر ستون هفدهم باب جبرئیل نیز در دیوار شرقی است و محاذی باب نساء و باب جبرئیل یک رواق نه قدم عرض و محاذی در مزبور ضریح مطهر واقع است.

ملاحظه

در پشت شمالی ضریح مطهر حضرت بتول ایوانی است به ارتفاع یک پله از زمین که مردم روی این ایوان و پشت ضریح مطهر حضرت بتول ایستاده، زیارت و نماز می خوانند و دعا می کنند و دری هم دارد که خادمین حرم گاهی از برای چراغ گذاردن و غیره به میان ضریح بتول و از این جا به مقبره حضرت رسول می روند.

دقیقه

از برای وسعت به هم رسانیدن مقابل باب جبرئیل، یک ستون مقابل این باب را در میان مسجد نزده اند، بدین جهت، مقابل در [ب] مزبور وسعت به هم رسانیده است و در محاذی باب جبرئیل شش دهنه ضریح مطهر واقع است که دو دهنه اش درب روضه حضرت زهرا که به قدر دو قدم عقب تر از چهار دهنه دیگر ضریح است که بدین سبب جلو درب روضه بتول وسعت به هم رسانیده، مردم پشت در [ب] مزبور ایستاده و زیارت حضرت بتول را می خوانند و چهار دهنه دیگر ضریح متعلق به حضرت رسول الله است و در میانه این دو دهنه، روضه حضرت زهرا است. یک ستون کاشی کاری و طرفین این ستون دو در [ب] متصل است که یکی محسوب می شود و از این در [ب] داخل روضه صدیقه طاهره و از آن جا به مرقد حضرت رسول الله می روند و چهار دهنه دیگر ضریح مطهر، دو پی - چهار قدم عرض - در طرفین و دو پی - دو قدم عرض - در وسط ضریح دارد و دو ستون مرمر در میان این دو پی کوچک و به همین طریق است طرف مقابل الا این که طرف مقابل یک در [ب] مقابل نیز به میان ضریح دارد. میانه باب نساء و باب جبرئیل، به قدر یک پله زمین مسجد را بلند نموده، سکو و اتاقی ساخته اند که مسکن و مخزن خواجه های حرم است.

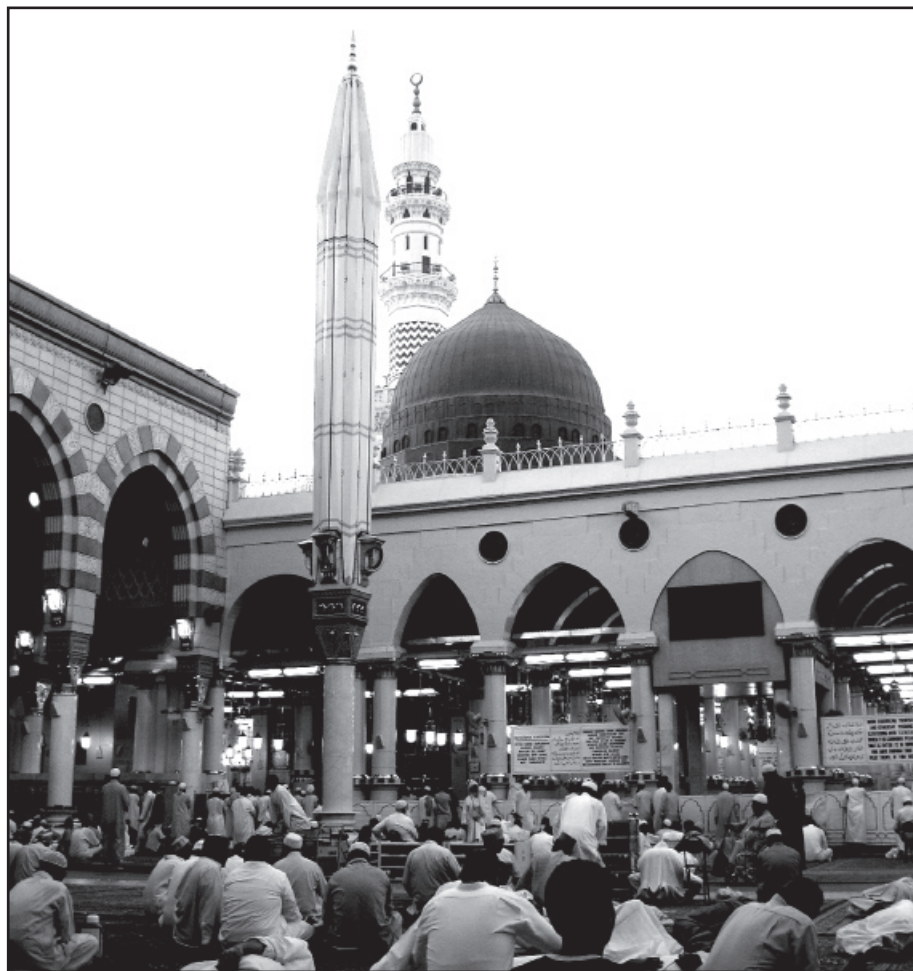
توضیح:

در مقابل این چهار دهنه ضریح، بالای دیوار شرقی سه پنجره است که ابواب نزول ملائکه گویند؛ دو پنجره اش مقابل ضریح مطهر حضرت رسول الله ﷺ و یک پنجره اش مقابل باب السلام

است که گویند: از این درها حضرت میکائیل و اسرافیل و عزرائیل، به حضرت رسول الله ﷺ نازل می‌شده‌اند، لهذا هر کدام از این درها به اسم یکی از ملائکه‌ها موسومند.

ملاحظة

علاوه بر جارها و چهل چراغ‌های مسجد مطهر، از هر دهنه طاق هم سه چراغ آویزان است که با روغن زیتون می‌سوزد.



در بیان منارهای مسجد

مسجد مطهر پنج مناره دارد؛ یکی بالای سر حضرت که مناره «رأسیه» نامند و راهش چنان که مذکور شد، از زاویه جنوب و مشرق مسجد است که مثذنه حضرت بلال بوده است و در بالای باب السلام و باب الرحمه و باب مجیدی نیز هر یک مناره‌ای است به اسم همان باب و مناره [ای] هم در زاویه شمال و مغرب مسجد است و راهش هم از همین زاویه است که مناره «سلیمانیّه» نامند؛ در زمانی که حاج [= حاجیان] شامی از شام وارد مدینه می‌شوند و آن سه شبی که در مدینه منوره توقف دارند، رسم است که این مناره را از بالا تا پایین چراغان می‌نمایند.

قُبّه‌های مسجد

در مسجد رسول الله دو قُبّه است؛ یکی از فولاد در بالای سر مبارک حضرت و قُبّه دیگر بالای رواق محاذی محراب.

ذکر اجمالی از اماکنی که در میان مدینه طیبه واقع گردیده

در میان جنوب و مشرق حرم رسول الله، به بُعد سه دقیقه، تقریباً متصل به خارج قلعه شهر قبرستان بقیع واقع گردیده که طولش چهارصد قدم و عرضش سیصد قدم که در این طول و عرض دیوار مخروبه کوتاهی دارد و ساختن این دیوار بسیار لازم است که مسلمین به زودی بانی شده، همت در انجامش گمارند که چنین قبرستانی - که تالی ندارد - این طور مخروبه نماند و چندان مخارج هم ندارد و در جنوب و مغرب این قبرستان فقط اتاقی ساخته‌اند که مقبره چهار امام بزرگوار؛ امام حسن مجتبی (علیه السلام)، امام زین العابدین (علیه السلام)، امام محمد باقر (علیه السلام)، امام جعفر صادق (علیه السلام) و عباس عمّ حضرت رسول است. این چهار امام در یک صندوق و عباس هم در یک صندوق است، ولی این دو صندوق را در میان یک صندوق گذارده‌اند و در این بقعه مجعلاً مضجع جدّه ائمه اطهار می‌باشد و چند اتاق کوچک هم در اطراف شمالی ائمه بقیع دارد که مقبره بعضی از زوجات و اولاد و احفاد حضرت رسالت است و هشت نفر هم از زوجات حضرت در یک ضریح و اسامی آنها [را] بالای قبرستان [بر] روی تخته نوشته‌اند و بنات رسول الله امّ کلثوم و رقیه و زینب هم در یک بقعه می‌باشند و در آخر زاویه شمال و مشرق قبرستان بقیع، حلیمه السعدیه - دایه حضرت رسول الله، مدفون و بقعه هم دارد و بیت الأحزان در بقیع و مقبره فاطمه بنت اسد - والدّه حضرت امیرالمؤمنین - خارج از دیوار بقیع واقع گردیده که حضرت رسول در قبر او داخل شده است.

در میان جنوب و مغرب مسجد رسول الله، در میان شهر در سوق الطّوال به فاصله سه دقیقه سیدنا عبدالله - پدر حضرت رسول الله - مدفون است؛ معروف به بیت ابی النبی و در پهلوی سیدنا مالک، علمدار رسول پروردگار مدفون است و یک بقعه خوبی دارد و مصلی در میان مسجد مصلی است که آن را مسجد «غمامه» نیز گویند که در خارج سُور شهر به فاصله چهار پنج دقیقه در جهت جنوب و مغرب مدینه واقع گردیده و متصل بدین مسجد قریب به هم [نویسنده دو سطر را قلم زده است] و مسجد حضرت بلال واقع است.

بیان اطراف مدینه منوره

جبل اُحد در طرف شمالی مدینه، به فاصله دو ساعت واقع و این کوه منفصل و رنگش قرمز و در طرف شمال شرقش، اقرب به مدینه است و در حول و حوش مزارع اهل مدینه می باشد و در امتداد راه اُحد تلّ مسّی به سلع واقع است که غاری هم در این کوه سلع است؛ بعضی منسوب به حضرت رسول الله و بعضی منسوب به حضرت ولی الله می دانند و کوه سلع نیز منقطع و مابین شمال و مغرب مدینه و در شرقی وادی بطحان واقع گردیده و قبر محمد، صاحب نفس الزکیّه - ابن عبدالله الحسن بن الحسن (علیه السلام) - در نزدیکی کوه سلع واقع است و ثنیات الوداع، اسم دو تپّه کوچکی است که یکی از آن اتصال به سلع دارد.

مابین شمال و مغرب مدینه به فاصله ربع ساعت، «مسجد الفتح» پیغمبر می باشد و مشهور است که سوره مبارکه ﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا﴾ در این جا به حضرت نازل گردیده و در پهلوی مسجد حضرت سلمان فارسی - رضی الله تعالی عنه - کائن است و مسجد فتح در دامنه غربی کوه سلع است که به طرف وادی است و کوه مزبور فاصله میان مدینه منوره و مسجد فتح است که آن را مسجد «احزاب» و مسجد «اعلی» نیز گویند و در طرف قبله مسجد فتح چهار مسجد دیگر است که همه را مساجد فتح گویند و راه شام که حجاج و قوافل می آیند، از مابین کوه احد و سلع از قریه برکه است و قلعه توپخانه در بالای کوهی است که مجاور کوه سلع است و مشرف بر میدان است - که در آنجا حجاج شام منزل می کنند - چنانچه مذکور شد، به زبان عربی «مناخه» گویند؛ یعنی بارانداز و نیز قریه معروف به صدفه در راه احد واقع و در حوش این قُراء به بُعد یک ساعت و کمتر متوالیاً واقع گردیده است؛ العیون، امّ صدیر، الغابه، بُرکه چنانچه بیان شد.

از برکه، عبور حاج شامی است به فاصله سه ربع ساعت از مدینه مرقد حضرت حمزه سیدالشهدا اسدالله و اسد رسول الله (علیه السلام) واقع و در شمالش به بُعد پانصد قدم تقریباً محل صدمه خوردن دندان

وَإِنَّا لَعَلَّكُمْ عَلَىٰ حَسْبٍ

مبارک حضرت رسول الله و مابین این دو محل طرف شرقی متصل به راه قبور شهدا فی سبیل الله احد است و از قار حضرت حمزه الی پای دامنۀ کوه احد تقریباً یک ساعت مسافت و کوه احد در این جا تقریباً به شکل مثلث افتاده.

و در ۸۱۶ قدمی مقبرۀ حضرت حمزه در انتهای دره مسجدی است که حضرت رسول الله در روز جنگ احد، در حالت مجروح و تنهایی در این مکانی که مسجد است، نماز خوانده‌اند و حضرت صادق (علیه السلام) بر عقبۀ بن خالد فرمودند که در این مسجد نماز بخوان و این جا همان درۀ ای است که در روز جنگ احد حضرت رسول الله به کمان‌داران سپرده بودند که آن را محافظت نمایند، آن‌ها به طمع غنیمت از این محل رفتند و مخالفین این دره را گرفتند و شکست بر لشکر اسلام وارد آوردند.

مقبرۀ حضرت حمزه را سلطان عبدالمجید خان عثمانی خیلی خوب ساخته، ولی از شهدای احد به غیر از حضرت حمزۀ سیدالشهدا و عبدالله بن جحش - که برادر زینب زوجۀ حضرت رسول الله که خواهرزادۀ حضرت حمزه است - اسم شهید دیگر معروف نیست؛ بهتر این بود که در سر مقبرۀ این شهدای فی سبیل الله اسامی آن‌ها را مرقوم می‌کردند تا مردم بدانند این‌ها کیستند که به این ثبات قدم در رکاب ظفر انتساب حضرت رسول الله جان دادند.

و غزوۀ احد در ماه شوال المکرم، سال سیّم هجری، واقع شده و آیه ﴿لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ﴾ و غیرها در حق این جنگ نازل گردیده و حضرت حمزه بَعَثَ شَهِادَتِ فَايَزَ گردیده، الی یومنا هذا در همین ماه اعراب بسیار از اطراف به سر مقبرۀ حضرت حمزه آمده، چند شب و روز مشغول گریه و زاری و عزاداری و نوحه و اطعام طعام می‌باشند و در همین جنگ به دندان مبارک نبوی صدمه خورد و حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) پای ثبات فشرده که از شدت جهاد شمشیرش شکست و

وَالْحَسْبُ لَنَا اللَّهُ وَالْمَلَكُ الْكَافِرُ وَالْمَلَكُ الْمَلِكُ

وَعَلَى الْأَعْيُنِ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَالْطُّفُلُ الْحَوِيلُ وَالسَّيِّدُ

حضرت پیغمبر ذوالفقار به او عنایت فرمود: «و لا فتی إلا علی لا سیف إلا ذوالفقار»^{۵۲} را جبرئیل از جانب ربّ جلیل آورده و حضرت امیر فرمودند در این جنگ شانزده ضربت به من رسید که در چهار ضربت آن به خاک افتادم و هر دفعه که می افتادم مرد خوش روی خوش مولی [بازوی مرا گرفته، می گفت سوار شو، یاری کن پیغمبر خود را که دوست می دارد تو را خدا و رسول او، بعد از غزا این واقعه را به عرض نبوی رسانیده، فرمودند آن شخص جبرئیل امین بود و تفصیل این جنگ در همه کتب مرقوم و منظور ما در این کتابچه این بیانات نیست.

در شمال بیست درجه، به سمت مغرب، به رُبع ساعت فاصله در بیرون قلعه مدینه، تلی است مسمّی به «قرین» در بالایش جایی ساخته اند که مردم بدانجا رفته شهر را تماشا می نمایند [...] دو سطر را قلم زده است [مسجدی است که اهل مدینه مسجد قبلتین نامند و گویند حضرت پیغمبر ﷺ در این مسجد به دو قبله نماز خوانده اند و مسجد مزبور از مدینه تقریباً بُعدش یک ساعت است.

در مغرب مدینه، به فاصله دو ساعت، کوه احمر واقع گردیده که بئر علی و مسجد شجره - که میقاتگاه حاج شامی و مدنی است - در دامنه این کوه کائن است که از این مسجد از برای عُمرة حَاجَة الاسلام مُحرم می شوند و در طرف مغرب بئر علی به مسافت یک ساعت قریه علاوه موضوع است و در مغرب حقیقی مدینه کوه غیر و کامیر است که وراء همه جبال و از شمال به جنوب ممتد و منفصل و تا مدینه تقریباً یک فرسخ و نیم است و کوه احد از همه جبال اطراف مدینه مرتفع تر است، بدین جهت در وقت طلوع، آفتاب اول بر آن ها می تابد؛ چنانچه هنگامی که بنده در گاه عالم پناه در مدینه منوره مشرف بوده، در اول جدی ۱۲۹۲ هجری شاهرزاده حاجی معتمدالدوله امتحان فرموده بودند اول جدی، آفتاب یک ساعت و بیست و هشت دقیقه از دسته گذشته بر کوه احد و غیر و کامیر تابیده بعد از چهار دقیقه بر مناره های حرم مبارک طالع شد. در

سمت جنوبی مدینه، به مسافت سه ربع ساعت، مسجد قبا در میان قریه بزرگی به همین اسم واقع است که آیه مبارکه: ﴿مَسْجِدُ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ﴾^{۵۳} در حق این مسجد نازل گردیده و خانه‌های انصار در این قریه بوده و از مدینه تا مسجد قبا، تمام باغستان خرما است و از دروازه که بیرون می‌روند، باید از وادی رانونا^{۵۴} عبور نمایند که در فصل بهار هنگام طغیان آب، آب مزبور به میان شهر جاری گردیده و از کنار شهر گذشته به آب وادی بطحان ریخته و این دو وادی نیز به وادی عقیق متصل می‌شود و در وسط راه از دولت عثمانی قراولخانه ساخته‌اند. توپ و سرباز در آنجا هست و تمامی اراضی این حول و حوش شوره‌زار است. می‌گویند خرما در زمین شوره‌زار بهتر به عمل آید؛ شاید در این قسم از زمین شوره‌زار خرما خوب شود و قاعده کلیه نداشته باشد، به دلیل این که در این جا با این شوری زمین اکثر جاها آبش شیرین است و در شرقی این مسجد به فاصله ده دقیقه، مسجد فضیخ در قریه قربان واقع شده و مسجد مزبور مخروبه است؛ طولش تقریباً بیست ذرع و عرضش سه ذرع، قدری از این مسجد را به چوب خرما پوشیده‌اند و بیشترش سقف ندارد و صحن هم دارد که دیوار دور او باقی است. وقتی حضرت رسول الله بنی‌نضیر را محاصره فرمودند، خیمه مبارک را در نزدیکی این مسجد زده و شش شب در این مکان نماز خواندند و به قولی حضرت امیرالمؤمنین در همین مسجد فضیخ ردّ شمس نمودند و در میانه این دو مسجد، مسجد شمس که شارب امّ ابراهیم نامند، در دامنه کوه کائن است و مشربه امّ ابراهیم از عوالی مدینه و عبارت از ماریه قطیه مادر ابراهیم - پسر حضرت رسول الله - است که حضرت یک ماه بر زنان خود خشم فرموده در این جا اقامت نمودند. مسجد کوچکی از سنگ در این جا ساخته‌اند. اکنون خراب شده و سقف ندارد. دیوار طرف قبلی آن آباد است و سه طرفش خراب. صد هزار افسوس دارد از همچو مساجد و اماکن شریفه که محل نزول ملائکه و قرآن و معبد حضرت پیغمبر آخرالزمان بوده، اعراب آن قدر تغافل نموده و همه را خراب کرده‌اند و در آبادی‌اش به هیچ وجه کوشش و سعی نمی‌نمایند که عن‌قرب منهدم خواهد شد.

چون بنده در گاه در این مساجد شریف به همراهی نواب والا شاهزاده حاجی معتمدالدوله رفته و نماز خوانده، همیشه این محبت را که فرمودند در نظر دارم [... سه سطر را قلم زده است]. آبی که به مدینه به واسطه قنات جاری است؛ از دامنه همین کوه قبا است. بلندی این زمین قیاست، چنانچه مذکور شد که در بهار فصل طغیان آب‌های اطراف قبا به میان مدینه جاری شده و از پهلوی شهر گذشته و به قریه الغابه مذکوره ساری، بعد مخلوط به آب وادی بطحان می‌شود.

دقیقه

این آب را عین ذرقاء گویند که از میان چندین چاه و شهر جاری می‌شود؛ یکی از چاه‌هایش را عین ادریس گویند. این چاه در ناحیه قبا واقع و به نهایت آبش با مزه است که به واسطه آب دهان مبارک حضرت رسول الله برکات پیدا کرده [...] دو و نیم سطر را قلم زده است] و نخلستان و باغات و سبزی‌کاری زیاد در قراء اطراف مدینه به خصوص در همین حول و حوش قریه قبا دارد و قریتین قربان و عوالی در غربی قریه قبا به بُعد یک ساعت و نیم - تقریباً - واقع است. در مشرق مدینه به فاصله ربع ساعت قریه مائده واقع گردیده و سه ربع ساعت که از این قریه می‌گذرد به مدفن سیدنا علی العرید یا علی العریض، که از اولاد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است می‌رسد و این امام‌زاده در حره سیاه یعنی ریگستان سیاه واقع شده که محل عبور حاج جبلی از پهلوی همین امام‌زاده است و حره مابین مشرق و جنوب مدینه واقع گردیده. در جنوب و مغرب مدینه، حره بنی النضیر است که قتل یزید بن معاویه در ماه ذی الحجة الحرام شصت و سه هجری در آن مکان واقع شده که اکنون قبور حره در آنجا معروف است. [...] پنج سطر آخر را قلم زده است و پس از آن هم نسخه را ناتمام گذاشته].

﴿رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا﴾. در این جا نسخه - تعریف المدینه - به پایان می‌رسد.



۱. در «روزنامه سفر مدینه السلام و بیت‌الله الحرام» معتمدالدوله، صص ۱۱۴ آمده است: ینبع، نام قریه بزرگی بوده در کنار دریای سرخ، که هوای آن بسیار گرم بوده و شبنم زیاد دارد و در آن دوران تقریباً دو هزار خانه داشته و آبش از آب انبار و آب باران تهیه می‌شده. از دولت شصت نفر عسکر پیاده و صد نفر جمازه‌سوار داشته است.

۲. محطه مسهلی، اسم منزلی است که کوه رضوی در شمال آن به فاصله یک فرسنگ یا کمی بیشتر قرار گرفته است.

۳. فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی، ج ۲ صص ۳۴۵ و ۳۵۵

۴. صفحه ۱۷ فهرست خود.

۵. مرآت البلدان ناصری، چاپ تهران، ۱۳۰۱ هـ. ق. ج ۱، ص ۲۰ فهرست کتاب.

۶. مطلع الشمس، تهران، ۱۳۰۳ هـ. ق. ج ۳ ص ۱۴ فهرست کتاب.

۷. المآثر و الآثار، تهران، سنائی، ص ۱۲ فهرست کتاب.

۸. ینبع؛ نام شهرک کوچکی است نزدیک مدینه و نام آن در حدیث آمده است. ابن سعید گوید: در ینبع چشمه‌ها و بازارها و دژی است. منازل فرزندان حسن بن علی (علیه السلام) آنجاست.

ابن حوقل گوید: ینبع قلعه‌ای است دارای آب و نخل و کشتزار و در آنجا موقوفه‌ای است از آن علی بن ابی طالب (علیه السلام) که فرزندان متولی آن هستند. از جانب مشرق کوه رضوی بر آن مشرف است. [ابوالفدا، تقویم البلدان، ترجمه

عبدالمحمد آیتی؛ صص ۱۲۲ و ۱۲۳].

۹. باستیان = باستیون (Bastiyon)؛ قلعه‌ای که در آن سلاح و ابزار جنگی ذخیره کنند.

۱۰. احقاف، نام سرزمینی است میان عمان و مَهَره [مراصد الاطلاع، ج ۱، ص ۳۸]. ابن بطوطه گوید: در فاصله نصف روز از ظفار، شهر احقاف که محلّ منازل قوم عاد است، واقع شده و در آنجا زاویه‌ای و مسجدی وجود دارد که در ساحل دریا ساخته شده و پیرامون آن قریه‌ای است که مسکن ماهیگیران است. در درون زاویه مزبور قبری دیده می‌شود که روی آن نوشته است: «این قبر هودبن عابر است» و من پیشتر گفته‌ام که در مسجد دمشق هم قبری با نبشته‌ای بدین مضمون وجود دارد، اما به نظر می‌رسد قبری که در احقاف است نسبتش به آن حضرت صحیح‌تر باشد؛ زیرا مرز و بوم هود در همین حوالی بوده است. ابن بطوطه در جای دیگر گوید: من در نزدیکی شهر ظفار یمن نیز در محلی که احقاف نامیده می‌شود بنایی دیدم که در آن قبری بود و روی قبر این عبارات نوشته بودند: هذا قبر هودبن عابر صلی الله علیه وسلم. [سفرنامه ابن بطوطه، ج ۱، صص ۲۸۷ و ۲۸۸].

۱۱. یمامه: نام شهری است پایین‌تر از مدینه الرسول (صلی الله علیه و آله)، در آنجا بود که مسیلمه کذاب دعوی پیامبری کرد. فاصله یمامه از بصره و کوفه شانزده مرحله است و در سمت شرقی مکه در سرزمینی هموار است. الحساء و قطیف در چهار منزلی مشرق یمامه واقع شده‌اند.

[ترجمه تقویم البلدان: ۱۳۵]

۱۲. به این نام شهری نجستم، ممکن است «شَجَره» باشد که در شش میلی مدینه قرار گرفته است [مراصداالاطلاع، ج ۲، ص ۷۸۴] ویا این که «شِخَر» به کسر شین نقطه دار و سکون حاء بی نقطه که نام بلدة کوچکی است میان عدن و ظفار. [ترجمه تقویم البلدان، ص ۱۱۶].

۱۳. هَجَر: نام یکی از شهرهای بحرین است [ابن خردادبه: المسالك و الممالك: ۱۵۲].
ابن بطوطه گوید هجر نام شهری از شهرهای بحرین است که اکنون «حسا» نامیده می شود [سفرنامه ابن بطوطه، ج ۱، ص ۳۰۸]. صفی الدین بغدادی گوید برخی برآنند که هَجَر نامی است که به همه بحرین اطلاق شود [مراصداالاطلاع، ج ۳، ص ۱۴۵۲].

۱۴. نَجْران؛ نام شهر کوچکی است در یمن. در بحرین و دمشق هم شهری است به همین نام. [مراصداالاطلاع: ۱۳۵۹/۳ و ۱۳۶۰].

۱۵. حِجْر؛ نام موضعی است در «وادی القرى» که در بین مدینه و شام واقع شده و دیار ثمود و مساکن آنها در این محل بوده است. و حُجْر؛ به ضم اول و سکون دوم نام قریه‌ای است در یمن [مراصد، ج ۱، ص ۳۸۱].

۱۶. دیار قوم عاد سرزمین «احقاف» است که قبلاً بدان اشاره رفت و مسکن قوم ثمود هم «حِجْر» بوده چنانکه گذشت.

۱۷. بئر معطله در آیه ۴۴، از سوره حج آمده که برخی از مفسران آن را بر «رس» که در سوره‌های فرقان و ق منطبق می کنند، و اشاره است به آیه: ﴿فَكَأَيُّ مِّنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ

ظَالِمَةٌ فِيهَا خَاوِيَةٌ عَلَيَّ عُرُوشُهَا وَبُئْرٌ مُّعْطَلَةٌ وَ قَصْرٌ مَّشِيدٌ». ابو الفتوح گوید: بئر معطله و قصر مشید در حَضَر موت که همان «احقاف» است و صالح پیامبر در آن جا در گذشته است. [تفسیر ابوالفتوح: ۱۰۴/۸].

۱۸. كِنْدَه؛ نام قبیله‌ای است در یمن [مراصد، ص ۱۱۸۱].

۱۹. جبل طی؛ حاجیان که از کوفه به مکه می روند، چون به بلدة «فید» می رسند، راه نیمه می شود، از آن جا تا «اجأ» و «سلمی» که نام دو کوه طی است، سی و شش میل می باشد؛ این دو کوه طی میان فِید و ثُعَلَبِیه واقع است. [ترجمه تقویم البلدان، ص ۱۳۳].

۲۰. اشاره است به آیه ۱۵۰، سوره شعراء ﴿وَتَنَحِتُونَ مَنِ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَارِهِينَ﴾. که درباره قوم ثمود آمده است و مسکن آنها در «حِجر» بوده که تا «وادی القرى» پنج روز راه فاصله است و وادی القرى به نقل مراصداالاطلاع محلی است بین مدینه و شام و به قول ابن خرداد به در راه مصر به مدینه واقع شده است. ابوالفداء به نقل از ابن حوقل گوید: حِجر سرزمین قوم ثمود بود و در میان کوه‌هاست و من آن کوه‌ها و خانه‌هایی را که در آنها کنده‌اند و خدای تعالی از آنها خبر داده: و تنحتون.... دیده‌ام. این کوهها را اثالب گویند. و من می گویم که: این همان کوه‌هاست که حاجیان شام هنگام عزیمت به مکه بر آنها فرود می آیند. «اثالب» را با «العلی» نصف مرحله فاصله است. و روایت شده که رسول خدا از نوشیدن آب آن نهی فرمود.

دکتر محمد خزائلی گوید: حجر شهری بوده است در یک منزلی «وادی القری» و در جنوب «تیمه» در مسیر کاروان مدینه و شام قار داشته است. امروز آن شهر ویران گردیده و حجر بر وادی «مبک الناقه» و «بئر الغسم» اطلاق می‌شود و در این وادی فعلاً چندقریه و چند چشمه آب وجود دارد که کاروانها در کنار آن چشمه‌ها می‌آسایند و چهار پایان خود را آب می‌دهند.

شهر قدیم حجر یکی از شهرهای تجاری عربستان بوده و آن قدر اهمیت داشته که بطليموس به عنوان یک شهر تجاری از آن نام برده است در زمان «پلین» جغرافیدان رومی نیز این شهر به نام «Hebra» آبادان بوده و محل تجارت و مرکز روابط بازرگانی به شمار می‌رفته است. در مغرب حجر کوهی است مرکب از پنج صخره، دخمه‌هایی در آن تراشیده شده که به ترتیب «قصر البنت» و «بیت الشیخ» و «اکریمات» و «محل المجلس» و «دیوان» نام دارند.

در این صخره‌ها کتیبه‌هایی موجود است و در دیوار محل المجلس و دیوان نقوش پرندگان دیده می‌شود. «دوگتی» نخستین کسی است که این ناحیه را در ۷۷ - ۱۸۷۶ سیاحت کرده، وی معتقد است که این بناهای سنگی مقابر بزرگان قبیله بوده است. گرچه به دست آمدن بقایا و اسکلت انسانی عقیده او را تأیید می‌کند، لکن سامی این بناها با نظر وی منافات دارد. بیت الشیخ و محل المجلس و دیوان برای نام گذاری مجامع و محل تشکیلات

حکومتی مناسب است. قصر البنت باید قلعه دختر ترجمه شود و این نام هم مناسب مقبره مردگان نیست. بعد از «دوگتی» مستشرق دیگری «آلسازی هوبر» یکبار در سال ۱۸۷۹ و بار دیگر به همراهی «اتینگ» در سال ۱۸۸۴ حجر را سیاحت کرده است با این همه هنوز نقوش و کتیبه‌های «العلّا» بطور کامل قرائت نشده و اطلاع زیادی از این ناحیه در دست نیست. همین قدر مسلم است که ناحیه حجر وقتی آباد بوده و قبایل متمدنی از شعب قوم ثمود در این ناحیه زندگانی می‌کرده‌اند و سپس دستخوش زلزله یا حادثه طبیعی دیگر شده و هلاک گردیده‌اند.

خلاصه این که «بیوت فارهین» همان آثار و مساکن قوم ثمود است که از طول عمر بهره‌مند بوده‌اند و بناهای محکم از سنگ می‌ساخته‌اند چنان که در قرآن مجید به باقی بودن آن آثار و کوه‌تراشی آنان اشاره شده است و مؤلف این سفرنامه با توجه به ایّه کریمه به آن اشاره کرده است.

أمرأداطلاع: ۱۴۱۷/۳ و ترجمه تقویم البلدان، ۱۲۱ و المسالك و الممالك ۱۵۰ و اعلام القرآن ۲۹۰ و تفسیر ابوالفتوح: ۳۵۶/۸.

۲۱. أیله: شهرکی بوده است واقع در صالح شرقی خلیج قزم و در زمان حضرت داوود اهمیتی داشته و به روزگار حضرت سلیمان به عنوان یک ناحیه آباد از آن سخن به میان آمده است.

مفسران و نویسندگان قصص الانبیاء از جمله ثعلبی گویند مراد از آیه کریمه ۱۶۳ سوره

اعراف: «وَسُئِلُهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ»: قریه مذکور در این آیه، قریه «أَيْلَه = أَيْلَه» است که اصحاب سبت در این قریه اقامت داشته‌اند و بواسطه مجاورت با دریا شغلشان ماهیگیری بوده و به آن کيفر در زمان حضرت داوود دچار شده‌اند. صفی الدین بغدادی، أَيْلَه را سرحد حجاز و مرز شام می‌داند و همو گوید: أَيْلَه نام کوهی است در ينبع در میان مکه و مدینه. [اعلام قرآن: ۱۵۳ و مرادالاطلاع، ج ۱، ص ۱۳۸].

یعقوبی گوید: مردم از قلزم در بیابانی و صحرايي، شش منزل راه تا أَيْلَه می‌روند و برای این شش مرحله آب همراه می‌برند و شهر أَيْلَه شهری است با شکوه بر ساحل دریای شور و حاجیان شام و حاجیان مصر و مغرب آن جا گرد می‌آیند و داد و ستدهای بسیار دارد و اهالی آن مردمی بهم آمیخته‌اند... [البلدان، ص ۱۱۹].

۲۲. کهف: ۳۰

۲۳. تِهامه: جلگه پست که شامل سرزمینهایی از مدینه تا مکه و جده است. [مرادج ۱، ص ۲۸۳].

۲۴. ناحیه نجد میان حجاز و احساء و احقاف در جنوب صحرای شام واقع است و از جانب شرق به عراق می‌پیوندد و بیشتر سرزمینهای نجد مرتفعات شنی است ولی در واحه‌های آن درخت عرار و قيصوم و نوعی کاج می‌روید، به علاوه دارای مراتع خوبی است و به همین مناسبت شتر و اسب این ناحیه شهرتی دارند.

شهر عمده آن ریاض است که فعلاً پایتخت دولت سعودی است. شهر حجر در این ناحیه واقع بوده و عمالقه نیز در نجد و حجاز ساکن بوده‌اند.

۲۵. جزيرة العرب به پنج ناحیه تقسیم می‌شود. تِهامه، نجد، حجاز، عروص، یمن که عروص، یمامه است تا بحرین.

۲۶. یمامه در سمت شرقی مکه در سرزمینی هموار است، پایین‌تر از مدینه الرسول، فاصله یمامه از بصره و کوفه شانزده مرحله است. الحساء و قطیف در چهار منزلی مشرق یمامه واقع شده‌اند. بیشتر مفسران معتقدند که اصحاب رس طایفه‌ای بوده‌اند که در یمامه می‌زیسته‌اند و پیغمبری به نام «حنظله» برایشان مبعوث شده و آنان وی را تکذیب کرده‌اند.

۲۷. مَنّ؛ ماده‌ای است چسبناک که از استحصالات شیرۀ پرورده گیاهی است و از ترکیب قندهای مختلف تشکیل شده و بطور طبیعی یا بر اثر گزش حشرات و یا با ایجاد شکاف در تنه غالب درختان به خارج تراوش می‌کند. این ماده در ابتدای تراوش مانند شربت است ولی پس از مدتی در برابر هوا منجمد می‌شود و به نوعی شکر تبدیل می‌گردد. کلمه «مَنّ» عبری است و در تورات و قرآن ذکر شده است و غذایی است که خدا برای بنی اسرائیل فرستاد: «وَنَزَّلْنَا عَلَیْکُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوٰی» و آنان در مدت چهل سال سرگردانی از آن تغذیه کردند تا به سرحد کنعان رسیدند.

مجاهد گفت: این مَنّ مانند صمغ بود که بر درختان افتادی. ضحاک گفت: ترجبین است...

مَنّ: گیاهان مختلف تشکیل می‌شود و مخصوصاً بیشتر از درخت زبان گنجشک استخراج می‌گردد، و اقسام مختلفش برای درمان بیماریهای سینه و لنت مزاج به کار می‌رود. کلیّۀ انواع «مَنّ» به دو دسته تقسیم می‌شوند.

۱- دارویی از قبیل شیر خشت و بیدخشت و ترنجبین و شکر تیغال که مورد استفاده دارویی دارند.

۲- مَنّ‌های خوراکی از قبیل گزانگبین و گز علفی که برای تهیه شیرینی گز به کار می‌روند.

۲۸. گیاه معروفی است که دارای انواع مختلف است از آن جمله سنای مکی.

۲۹. بلیسان = بَلَسَّان: گیاهی از تیره سدابیان که به صورت درختچه است و گل‌های سفیدی دارد. همهٔ اعضای این گیاه محتوی ماده صمغی است که در صورت خراش یا نیش حشرات این ماده صمغی از آن خارج می‌شود.

۳۰. نیل: به کسر اول گیاهی است درختچه‌ای از تیره پروانه‌داران، دارای برگ‌های مرکب شانه‌ای. در حدود ۲۵۰ نوع از این گیاه شناخته شده که همگی به نواحی گرم کره زمین تعلق دارند و بیشتر به منظور استفادهٔ آبی رنگ از برگ آنها کشت می‌شوند.

۳۱. مُقْل ازرق = ملک ازرق؛ درختی است از تیره بورسراسه و از ردهٔ دولپه‌ای‌های جدا گلبرگ

که مخصوص نواحی گرمسیر است. از این درخت صمغ رزینی «صمغ سقز» حاصل می‌شود که به عنوان قابض به کار می‌رود. به علاوه دارای خواص ضد دردهای بواسیری و نفرسی می‌باشد.

۳۲. مَیْعَه: ماده‌ای رزینی که از جنس سقز که از انواع مختلف کاجها به دست می‌آید.

۳۳. قُسْط؛ معرب یونانی است، نام گیاهی ست از تیره زنجبیل‌ها که در حدود ۱۵ گونه آن شناخته شده و همه متعلق به منطقه گرمسیری است.

۳۴. نَسْناس: میمون آدم‌نما از قبیل گوریل، شامپانزه، اورانگوتان و غیره.

۳۵. شتر جَمَازَه: شتر تندرو.

۳۶. اَسْمَر: گندم گون

۳۷. مَلْبُوس: پوشاک

۳۸. صُبْح: نام ناحیه‌ای است در «یمامه»

۳۹. آل عمران: ۱۲۳

۴۰. رَضَوُ = رَضَوُی: نام کوهی است مشرف برینبع که تا مدینه چهار مرحله است و این همان کوهی است که «کیسانیه» معتقدند که محمد بن علی معروف به محمد حنفیه در آن جا مقیم است.

۴۱. دشت آبادی است که کشت و زرع و نخل فراوان دارد و در مسیر حجاج قرار گرفته و از آن جا تا «بَدْر» یک مرحله فاصله است و چشمه‌های زیادی در آن بوده که از ینبع و رضوی می‌گذشته است.

۴۲. قولاچ، قلاچ: واحد طول معادل درازی هر دو دست. «فرهنگ معین».

۴۳. حب البان؛ نام گیاهی است که به آن

«جوزبویا» نیز گویند

۴۴. حضرت علی بن ابی طالب ع نیز در مکه تولد یافتند.

۴۵. چاه بضاعه؛ که در احادیث نیز آمده است در دار بنی ساعده در مدینه طیبه بوده است.

۴۶. چاه اریس؛ نام چاهی است در مدینه، در قُبا، برابر مسجد قُبا، که انگشتی پیغمبر ص از دست عثمان در آن افتاد و برای یافتنش بسیار کوشید و موفق نشد.

۴۷. چَرز؛ پایه ساختمان که از سنگ و آجر سازند.

۴۸. ذرع شاه؛ مقیاس طول معادل ۱/۱۲ متر است.

۴۹. بلال حبشی، ابوعبدالله بلال بن رباح حبشی متوفی به سال ۲۰ هجری قمری مؤذن معروف پیغمبر اکرم ص و از سابقین در اسلام. تا وفات پیغمبر ص اذان گفت و پس از

آن دیگر هیچ اذان نگفت.

۵۰. اهل سنت گویند که پیغمبر خدا ص ده نفر از صحابه را به بهشت بشارت داده است و آنها را «عشرة مبشرة» گویند و نام آن ده نفر به ترتیبی که شماره می کنند بدین شرح است:
۱. ابوبکر بن ابی قحانه؛ ۲. عمر بن خطاب؛ ۳. عثمان بن عفان؛ ۴. علی بن ابی طالب ع؛ ۵. طلحه بن عبدالله بن عثمان؛ ۶. زبیر بن العوام؛ ۷. سعد بن ابی وقاص؛ ۸. سعید بن زید بن عمرو بن نفیل عدوی قرشی؛ ۹. عبدالرحمن بن عوف؛ ۱۰. ابوعبیده بن جراح.
۵۱. دولابچه؛ گنجه کوچک دردار که در دیوار تعبیه کنند باشد.

۵۲. در بدین صورت آمده است: «لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ وَلَا فَتَى إِلَّا عَلِيٌّ».

۵۳. سوره توبه، آیه ۱۰۸.

۵۴. رانونا؛ نام وادی ای است در مدینه طیبه.